

استاندارد حسابداری ۴۳  
درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

# استاندارد حسابداری ۴۳ درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان



استاندارد حسابداری ۴۳  
درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

۱	هدف
۲	دستیابی به هدف
۵	دامنه کاربرد
۹	شناخت
۱۰	تشخیص قراردادها
۱۸	ترکیب قراردادها
۱۹	تعدیل قرارداد
۲۳	تشخیص تعهدات عملکردی
۲۵	تعهدات موجود در قرارداد با مشتریان
۲۷	کالاها یا خدمات متمایز
۳۲	ایفای تعهدات عملکردی
۳۶	تعهدات عملکردی ایفاشده در طول زمان
۳۹	تعهدات عملکردی ایفاشده در نقطه‌ای از زمان
۴۰	اندازه‌گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی
۴۷	اندازه‌گیری
۴۸	تعیین قیمت معامله
۵۱	مابه‌ازای متغیر
۶۱	وجود جزء تأمین مالی بااهمیت در قرارداد
۶۷	مابه‌ازای غیرنقدی
۷۱	مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری
۷۴	تخصیص قیمت معامله به تعهدات عملکردی
۷۷	تخصیص بر مبنای قیمت‌های فروش مستقل
۸۲	تخصیص تخفیف
۸۵	تخصیص مابه‌ازای متغیر
۸۸	تغییر در قیمت معامله
۹۲	مخارج قرارداد
۹۲	مخارج مختص دستیابی به قرارداد
۹۶	مخارج ایفای قرارداد
۱۰۰	استهلاک و کاهش ارزش
۱۰۶	نحوه ارائه
۱۱۱	افشا
۱۱۴	قرارداد با مشتریان
۱۱۵	تفکیک درآمد عملیاتی
۱۱۷	مانده حساب‌های قرارداد
۱۲۰	تعهدات عملکردی

استاندارد حسابداری ۴۳  
درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

۱۲۱	.....	قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی باقیمانده
۱۲۴	.....	قضایات های عمده صورت گرفته در به کارگیری این استاندارد
۱۲۵	.....	تعیین زمان بندی ایفای تعهدات عملکردی
۱۲۷	.....	تعیین قیمت معامله و مبالغ تخصیص یافته به تعهدات عملکردی
۱۲۸	.....	دارایی های شناسایی شده حاصل از مخارج دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج ایفای قرارداد با مشتری
۱۳۰	.....	اقتضای عملی
۱۳۱	.....	کنارگذاری سایر استانداردها
۱۳۲	.....	تاریخ اجرا
۱۳۳	.....	مطابقت با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی

پیوست ها

پیوست الف

پیوست ب

پیوست پ



### هدف:

۱. هدف این استاندارد تعیین اصولی است که واحد تجاری برای گزارش اطلاعات مفید به استفاده کنندگان صورتهای مالی درباره ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان در آمد عملیاتی و جریان های نقدی حاصل از قرارداد با یک مشتری، باید بکار گیرد.

### دستیابی به هدف:

۲. برای دستیابی به هدف بند ۱، اصل محوری این استاندارد آن است که واحد تجاری باید درآمد عملیاتی را به گونه ای شناسایی کند که بیانگر انتقال کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتریان به مبلغ ما به ازایی باشد که واحد تجاری انتظار دارد در قبال آن کالاها یا خدمات، نسبت به آن محق باشد.

۳. واحد تجاری هنگام بکارگیری این استاندارد باید مفاد قرارداد و تمام واقعیت ها و شرایط مربوط را مد نظر قرار دهد. واحد تجاری باید این استاندارد شامل استفاده از هر گونه اقتضای عملی را بطور یکنواخت برای قراردادهای دارای ویژگی های مشابه و در شرایط مشابه بکار گیرد.

۴. این استاندارد، نحوه حسابداری یک قرارداد منفرد با مشتری را تعیین میکند. با وجود این، به عنوان یک اقتضای عملی، واحد تجاری در صورتی که بطور معقول انتظار داشته باشد. آثار ناشی از بکارگیری این استاندارد برای مجموعه ای از قراردادهای (یا تعهدات عملکردی) دارای ویژگی های مشابه بر صورتهای مالی، با آثار ناشی از بکارگیری این استاندارد برای هر یک از قراردادهای (یا تعهدات عملکردی) موجود در مجموعه مذکور تفاوت با اهمیتی نداشته باشد، میتواند این استاندارد را برای آن مجموعه بکار گیرد. واحد تجاری هنگام انجام حسابداری یک مجموعه قرارداد، باید از برآوردها و مفروضاتی استفاده کند که نشان دهنده اندازه و ترکیب آن مجموعه باشد.

### دامنه کاربرد:

۵. واحد تجاری باید این استاندارد را برای تمام قراردادهای با مشتریان، به استثنای موارد زیر، بکار گیرد:

الف: قراردادهای اجاره مشمول دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۲۱ حسابداری اجاره ها؛

ب: قراردادهای بیمه مشمول دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۲۸ فعالیتهای بیمه عمومی؛

پ: ابزارهای مالی مشمول دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۱۵ حسابداری سرمایه گذاری ها، استاندارد حسابداری ۳۹ صورتهای مالی تلفیقی استاندارد حسابداری ۴۰ مشارکتها، استاندارد حسابداری ۱۸ صورتهای مالی جداگانه و استاندارد حسابداری ۲۰ سرمایه گذاری در واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص و

ت: مبادله های غیر پولی بین واحدهای تجاری دارای فعالیتهای تجاری همانند، برای تسهیل فروش به مشتریان یا مشتریان بالقوه برای مثال، این استاندارد در خصوص قرارداد بین دو شرکت نفتی که توافق میکنند برای پاسخگویی به موقع به تقاضای مشتریان خود در مکانهای تعیین شده نفت را با یکدیگر مبادله کنند کاربرد ندارد.

۶. الزامات شناخت و اندازه گیری این استاندارد، در مورد سایر درآمدهای کسب شده در روال فعالیتهای عادی واحد تجاری، از جمله سایر درآمدهای غیر عملیاتی نظیر سود حاصل از واگذاری دارایی های ثابت مشهود کاربرد دارد.

۷. واحد تجاری این استاندارد را باید در مورد قراردادی (به استثنای قراردادهای اشاره شده در بند ۵) بکار گیرد که طرف قرارداد مشتری است. مشتری شخصی است که در قبال پرداخت ما به ازای دستیابی به کالاها یا خدماتی که خروجی فعالیتهای عادی واحد تجاری است، قرارداد با واحد تجاری منعقد کرده است. برای مثال، در صورتی که طرف قرارداد به جای انعقاد قرارداد برای دستیابی به خروجی فعالیتهای عادی واحد تجاری، قراردادی را به منظور مشارکت در یک فعالیت یا فرایند منعقد کرده باشد که طرفین آن قرار داد در ریسکها و مزایای حاصل از آن فعالیت یا فرایند (نظیر ایجاد یک دارایی از طریق توافق همکاری) سهیم باشند، طرف قرارداد مشتری محسوب نمی شود.

## استاندارد حسابداری ۴۳ درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

۸. بخشی از قرارداد با مشتری ممکن است در دامنه کاربرد این استاندارد و بخش دیگر آن، در دامنه کاربرد سایر استانداردهای اشاره شده در بند ۵ قرار گیرد.

**الف:** اگر در سایر استانداردها چگونگی تفکیک و یا / اندازه گیری اولیه یک یا چند بخش از قرارداد مشخص شده باشد، آنگاه واحد تجاری باید ابتدا الزامات تفکیک و یا / اندازه گیری مندرج در آن استانداردها را بکار گیرد واحد تجاری باید مبلغ بخشی (یا بخشهایی) از قرارداد را که در ابتدا طبق سایر استانداردها اندازه گیری شده است، از قیمت معامله جدا کند و برای تخصیص مبلغ باقیمانده قیمت معامله (در صورت وجود) به هر تعهد عملکردی مشمول دامنه کاربرد این استاندارد و به سایر بخشهای قرارداد طبق بند ۸ (ب) بندهای ۷۴ تا ۸۷ را بکار گیرد.

**ب:** اگر در سایر استانداردها چگونگی تفکیک و یا / اندازه گیری اولیه یک یا چند بخش از قرارداد مشخص نشده باشد، آنگاه واحد تجاری باید این استاندارد را برای تفکیک و یا / اندازه گیری اولیه آن بخش (یا بخشهای) قرارداد با مشتری بکار گیرد.

۹. چنانچه مخارج مختص دستیابی به قرارداد با مشتری و مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری در دامنه کاربرد استاندارد دیگری قرار نگیرد، این استاندارد نحوه حسابداری مخارج مذکور را تعیین میکند (به بندهای ۹۲ تا ۱۰۵ مراجعه شود). واحد تجاری باید بندهای مذکور را تنها برای مخارج تحمل شده مرتبط با قرارداد با مشتری (یا بخشی از آن قرارداد) که در دامنه کاربرد این استاندارد است، بکار گیرد.

### شناخت:

#### تشخیص قرارداد:

واحد تجاری باید قرارداد با یک مشتری، که در دامنه کاربرد این استاندارد است، را تنها هنگامی به حساب منظور کند که تمام معیارهای زیر احراز شود:

**الف:** طرفین، قرارداد را (به صورت کتبی شفاهی یا طبق سایر رویه های مرسوم تجاری) تأیید کرده باشند و نسبت به انجام تعهدات خود، متعهد باشند؛

**ب:** واحد تجاری بتواند حقوق هر یک از طرفین را در ارتباط با کالاها یا خدماتی که باید انتقال یابد، تشخیص دهد؛

**پ:** واحد تجاری بتواند شرایط پرداخت برای کالاها یا خدماتی که باید انتقال یابد را تشخیص دهد؛

**ت:** قرارداد محتوای تجاری داشته باشد (یعنی انتظار رود ریسک، زمانبندی یا مبلغ جریانهای نقدی آتی واحد تجاری، در نتیجه قرارداد تغییر کند)؛ و

**ث:** وصول ما به ازایی که واحد تجاری در قبال انتقال کالاها یا خدمات به مشتری نسبت به آن محق است، محتمل باشد. واحد تجاری در ارزیابی اینکه وصول مبلغ ما به ازای محتمل است یا خیر، تنها باید توانایی و قصد مشتری برای پرداخت مبلغ ما به ازای مذکور در سررسید را مورد توجه قرار دهد. اگر مبلغ ما به ازای به دلیل پیشنهاد مشوق قیمت به مشتری متغیر باشد، مبلغ ما به ازایی که واحد تجاری نسبت به آن محق است، ممکن است از قیمت ذکر شده در قرارداد کمتر باشد (به بند ۵۳ مراجعه شود).

۱۱. قرارداد، توافقی بین دو یا چند شخص است که حقوق و تعهدات الزام آور ایجاد میکند. الزام آور بودن حقوق و تعهدات در یک قرارداد، یک موضوع حقوقی است قراردادهای میتوانند کتبی، شفاهی یا مبتنی بر رویه های مرسوم تجاری باشند. رویه ها و فرایندهای انعقاد قراردادها با مشتریان، بین حوزه های مقرراتی، صنایع و واحدهای تجاری متفاوت است. افزون بر این، رویه ها و فرایندهای مزبور ممکن است در داخل یک واحد تجاری نیز متفاوت باشد (برای مثال، ممکن است به طبقه مشتری یا ماهیت کالاها یا خدمات تعهد شده بستگی داشته باشد). واحد تجاری برای تعیین اینکه توافقی با مشتری، حقوق و تعهدات الزام آور ایجاد می کند یا خیر، و چه زمانی حقوق و تعهدات الزام آور ایجاد میکند، باید این رویه ها و فرایندها را مدنظر قرار دهد.

۱۲. برخی قراردادها با مشتریان ممکن است مدت زمان معینی نداشته باشند و بتوان آنها را توسط هر یک از طرفهای قرارداد، در هر زمانی خاتمه داد یا تعدیل کرد. سایر قراردادها ممکن است بر مبنای دوره ای که در قرارداد مشخص شده است، بطور خودکار تمدید شوند. واحد تجاری باید این استاندارد را برای مدت قرارداد (یعنی دوره قرار دادی) که در آن مدت، طرفین قرارداد حقوق و تعهدات الزام آور فعلی دارند، بکار گیرد.

۱۳. برای مقاصد بکارگیری این استاندارد، اگر هر یک از طرفین قرارداد، بدون جبران خسارت طرف (یا طرفهای) دیگر، از حق الزام آور یک جانبه برای خاتمه دادن به قراردادی که اجرا نشده است برخوردار باشد، قراردادی وجود ندارد. قرارداد در صورتی اجرا نشده محسوب میشود که هر دو معیار زیر احراز شده باشد:

الف: واحد تجاری هنوز کالاها یا خدمات تعهد شده را به مشتری انتقال نداده نباشد؛ و  
ب: واحد تجاری هنوز ما به ازایی در قبال کالاها یا خدمات تعهد شده دریافت نکرده باشد و هنوز نسبت به دریافت آن محق نباشد.

۱۴. اگر قرارداد با مشتری معیارهای مندرج در بند ۱۰ را در آغاز قرارداد احراز کند، واحد تجاری نباید این معیارها را مجدداً ارزیابی کند، مگر اینکه نشانه ای از تغییری عمده در واقعیتها و شرایط وجود داشته باشد. برای مثال، اگر توانایی مشتری برای پرداخت مابه از ا به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته باشد، واحد تجاری احتمال وصول ما به ازایی که در قبال انتقال مابقی کالاها یا خدمات به مشتری، نسبت به آن محق می شود را مجدداً ارزیابی می کند.

۱۵. اگر قرارداد با مشتری معیارهای مندرج در بند ۱۰ را احراز نکند، واحد تجاری باید به ارزیابی قرارداد ادامه دهد تا تعیین نماید که آیا معیارهای مندرج در بند ۱۰ متعاقباً احراز شده است یا خیر.

۱۶. هنگامی که قرارداد با مشتری معیارهای مندرج در بند ۱۰ را احراز نمیکند و واحد تجاری مابه ازایی را از مشتری دریافت می کند، واحد تجاری تنها در صورتی باید ما به ازای دریافتی را به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند که یکی از رویدادهای زیر واقع شده باشد:

الف: واحد تجاری تعهدات باقیمانده ای برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری نداشته باشد و تمام یا تقریباً تمام مابه ازای تعهد شده توسط مشتری را دریافت کرده باشد و غیر قابل استرداد باشد؛ یا  
ب: قرارداد خاتمه یافته باشد و مابه ازای دریافتی از مشتری غیر قابل استرداد باشد.

۱۷. واحد تجاری باید ما به ازای دریافتی از مشتری را تا زمان وقوع یکی از رویدادهای مندرج در بند ۱۶ یا تا زمانی که معیارهای مندرج در بند ۱۰ متعاقباً احراز شود (به بند ۱۵ مراجعه شود)، به عنوان بدهی شناسایی کند. این بدهی، با توجه به واقعیتها و شرایط مرتبط با قرارداد، یا بیانگر تعهد واحد تجاری به انتقال کالاها یا خدمات در آینده است یا بیانگر تعهد واحد تجاری به استرداد ما به ازای دریافتی است. در هر دو حالت، بدهی مذکور باید به مبلغ ما به ازای دریافتی از مشتری اندازه گیری شود.

### ترکیب قراردادها:

۱۸. واحد تجاری، در صورت احراز یک یا چند معیار از معیارهای زیر، باید دو یا چند قرارداد را که هم زمان یا در زمانهای نزدیک به هم با یک مشتری (یا اشخاص وابسته به آن مشتری) منعقد کرده است، ترکیب کند و آنها را به عنوان قراردادی واحد در نظر بگیرد:

الف: قراردادها به صورت یک بسته با یک هدف تجاری واحد، مذاکره شده باشند؛

**ب:** مبلغ ما به ازای قابل پرداخت در یک قرارداد به قیمت یا عملکرد قرارداد دیگر بستگی داشته باشد؛ یا  
**پ:** کالاها یا خدمات تعهد شده در قراردادها (یا برخی کالاها یا خدمات تعهد شده در هر یک از قراردادها)، طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱ تعهد عملکردی واحدی باشند.

### تعدیل قرارداد:

۱۹. **تعدیل قرارداد،** تغییر در دامنه یا قیمت (یا هر دو) یک قرارداد است که به تأیید طرفهای قرارداد رسیده است. در برخی صنایع و حوزه های مقرراتی، تعدیل قرارداد ممکن است به عنوان دستور تغییر، اصلاحیه، متمم یا الحاقیه قرارداد شناخته شود. تعدیل قرارداد زمانی وجود دارد که طرفهای قرارداد، تعدیلی را تأیید کنند که یا به ایجاد حقوق و تعهدات الزام آور جدید یا به تغییر حقوق و تعهدات الزام آور موجود برای طرفهای قرار داد منجر شود. تعدیل قرار داد میتواند به صورت کتبی، شفاهی یا بطور ضمنی طبق رویه های مرسوم تجاری تأیید شود. اگر طرفهای قرارداد، تعدیل قرارداد را تأیید نکرده باشند، واحد تجاری باید بکارگیری این استاندارد را برای قرارداد موجود، تا زمان تأیید تعدیل قرارداد ادامه دهد.

۲۰. حتی در صورتی که طرفهای قرارداد درباره دامنه تعدیل یا قیمت تعدیل (یا هر دو)، اختلاف نظر داشته باشند، یا طرفهای قرارداد تغییر در دامنه قرارداد را تأیید کرده باشند اما هنوز تغییر متناظر در قیمت را تعیین نکرده باشند، ممکن است تعدیل قرار داد وجود داشته باشد. برای تعیین اینکه حقوق و تعهدات ایجاد شده با تغییر یافته از طریق تعدیل، الزام آور است یا خیر، واحد تجاری باید تمام واقعیتهای و شرایط مرتبط از جمله شرایط قرارداد و شواهد دیگر را مدنظر قرار دهد. اگر طرفهای قرارداد، تغییر در دامنه قرارداد را تأیید کرده باشند، اما هنوز تغییر متناظر در قیمت را تعیین نکرده باشند، واحد تجاری باید طبق بندهای ۵۱ تا ۵۵ در ارتباط با برآورد مابه ازای متغیر و بندهای ۵۷ تا ۵۹ در ارتباط با محدود کردن برآوردهای ما به ازای متغیر، تغییر در قیمت معامله که از تعدیل ناشی میشود را برآورد کند.

۲۱. واحد تجاری باید تعدیل قرارداد را در صورت وجود هر دو شرط زیر، به عنوان قراردادی جداگانه در نظر بگیرد:  
**الف:** دامنه قرارداد به دلیل اضافه کردن کالاها یا خدمات تعهد شده ای که طبق بندهای ۲۷ تا ۳۱ متمم هستند، افزایش یابد؛ و

**ب:** قیمت قرار داد، به مبلغ ما به ازایی که نشان دهنده قیمت فروش مستقل کالاها یا خدمات تعهد شده اضافی و هرگونه تعدیل مقتضی در آن قیمت جهت انعکاس شرایط آن قرارداد خاص است افزایش یابد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است قیمت فروش مستقل یک کالا یا خدمت اضافی را بابت تخفیفی که مشتری دریافت می کند تعدیل کند، زیرا ضرورتی ندارد واحد تجاری مخارج فروشی را تحمل کند که در صورت فروش کالا یا خدمت مشابه به یک مشتری جدید، متحمل میشد.

۲۲. اگر طبق بند ۲۱، تعدیل قرارداد به عنوان قرارداد جداگانه در نظر گرفته نشود، واحد تجاری باید کالاها یا خدمات تعهد شده ای که در تاریخ تعدیل قرارداد هنوز انتقال نیافته است (یعنی کالاها یا خدمات تعهد شده باقیمانده) را به یکی از شیوه های زیر هر کدام که کاربرد داشته باشد، به حساب منظور کند:

**الف:** اگر کالاها یا خدمات باقیمانده، متمم از کالاها یا خدمات انتقال یافته در تاریخ تعدیل قرارداد یا قبل از آن باشد، واحد تجاری باید تعدیل قرارداد را به گونه ای به حساب منظور کند که گویی قرارداد موجود خاتمه یافته و یک قرارداد جدید منعقد شده است. مبلغ ما به ازایی که باید به تعهدات عملکردی باقیمانده (یا کالاها یا خدمات متمم باقیمانده در یک تعهد عملکردی منفرد مشخص شده طبق بند ۲۳ (ب)) تخصیص یابد، مجموع موارد زیر است:

- ۱) مابه ازای تعهد شده توسط مشتری (شامل مبالغی که قبلاً از مشتری دریافت شده است) که در برآورد قیمت معامله منظور شده و به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی نشده است؛ و
- ۲) ما به ازای تعهد شده به عنوان بخشی از تعدیل قرار داد.

**ب:** اگر کالاها یا خدمات باقیمانده، متمایز نباشند و، در نتیجه بخشی از تعهد عملکردی منفردی را تشکیل دهند که قسمتی از آن تا تاریخ تعدیل قرارداد ایفا شده است، واحد تجاری باید تعدیل قرارداد را به گونه ای به حساب منظور کند که گویی بخشی از قرارداد موجود است. اثر تعدیل قرارداد بر قیمت معامله و اندازه گیری پیشرفت واحد تجاری در ایفای کامل تعهد عملکردی، در تاریخ تعدیل قرارداد به عنوان تعدیل درآمد عملیاتی (افزایش یا کاهش درآمد عملیاتی) شناسایی می شود (یعنی تعدیل درآمد عملیاتی بر مبنای آثار انباشته تغییرات).

**پ:** اگر کالاها یا خدمات باقیمانده ترکیبی از موارد (الف) و (ب) باشد، واحد تجاری باید آثار تعدیل بر تعهدات عملکردی ایفاننشده (شامل تعهداتی که بخشی از آن ایفا نشده است) در قرارداد تعدیل شده را به شیوه ای به حساب منظور کند که با اهداف این بند سازگار باشد.

### تشخیص تعهدات عملکردی:

**۲۳ .** در آغاز قرار داد، واحد تجاری باید کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد با مشتری را ارزیابی کند و هر گونه تعهد برای انتقال موارد زیر به مشتری را به عنوان یک تعهد عملکردی تشخیص دهد:

**الف:** یک کالا یا خدمت (یا بسته ای از کالاها یا خدمات) که متمایز است؛ یا

**ب:** یک مجموعه از کالاها یا خدمات متمایز که تا حد زیادی یکسان هستند و الگوی انتقال آنها به مشتری یکسان است (به بند ۲۴ مراجعه شود).

**۲۴ .** الگوی انتقال یک مجموعه از کالاها یا خدمات متمایز، در صورت احراز هر دو معیار زیر یکسان خواهد بود:

**الف:** هر کالا یا خدمت متمایز در مجموعه ای که واحد تجاری متعهد به انتقال آن به مشتری است، معیارهای مندرج در بند ۳۶ را برای در نظر گرفتن به عنوان تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان، احراز کند؛ و

**ب:** طبق بندهای ۴۰ تا ۴۱، به منظور اندازه گیری پیشرفت واحد تجاری در ایفای کامل تعهد عملکردی برای انتقال هر کالا یا خدمت متمایز در آن مجموعه به مشتری، از شیوه یکسانی استفاده شود.

### تعهدان در قرارداد با مشتریان:

**۲۵ .** در قرارداد با مشتری، عموماً کالاها یا خدماتی که واحد تجاری متعهد به انتقال آنها به مشتری است، به صراحت مشخص می شود. با وجود این، تعهدات عملکردی مشخص شده در قرارداد با مشتری ممکن است محدود به کالاها یا خدماتی نباشد که به صراحت در قرار داد ذکر شده است. دلیل این موضوع آن است که قرارداد با مشتری ممکن است شامل تعهداتی باشد که بطور ضمنی از طریق رویه های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه های خاص منتشر شده واحد تجاری بیان شده است، مشروط بر اینکه، در زمان انعقاد قرارداد، تعهدات مذکور توقع به جایی در مشتری ایجاد کند که واحد تجاری آن کالا یا خدمات را به مشتری منتقل خواهد کرد.

**۲۶ .** در تعهدات عملکردی، فعالیتهایی که واحد تجاری باید برای ایفای قرارداد تقبل کند، درج نمیشود مگر اینکه فعالیتهای مذکور کالا یا خدمتی را به مشتری انتقال دهند. برای مثال، ممکن است لازم باشد ارائه دهندگان خدمات، امور اداری گوناگونی را برای تنظیم قرارداد انجام دهند. اجرای این امور هیچ خدمتی را همزمان با اجرای آن، به مشتری منتقل نمی کند بنابراین، این فعالیتهای تنظیم قرارداد، تعهد عملکردی محسوب نمی شود.

### کالاها یا خدمات متمایز:

**۲۷ .** کالاها یا خدمات تعهد شده، بسته به قرارداد ممکن است شامل موارد زیر باشد، اما محدود به این موارد نیست:

**الف:** فروش محصولات تولید شده توسط یک واحد تجاری (برای مثال، موجودی محصولات یک واحد تولیدی)؛

**ب:** فروش کالاهای خریداری شده توسط واحد تجاری (برای مثال، موجودی کالای یک واحد بازرگانی)؛

**پ:** فروش حق نسبت به کالاها یا خدمات خریداری شده توسط یک واحد تجاری (برای مثال، فروش بلیط توسط یک واحد



تجاری که به عنوان امویل، طبق توصیف بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲، عمل میکند)؛  
ت: انجام وظیفه (یا وظایفی) برای مشتری، که بطور قراردادی در مورد آن توافق شده است؛  
ث: ارائه خدمت آمادگی برای فراهم کردن کالاها یا خدمات (برای مثال، به روز آوری از پیش تعیین نشده نرم افزار که بر مبنای "در صورت در دسترس بودن" عرضه میشود) یا ارائه خدمت فراهم کردن کالاها یا خدمات در دسترس برای مشتری جهت استفاده به محض اینکه مشتری تصمیم بگیرد؛  
ج: ارائه خدمت فراهم کردن بستر انتقال کالاها یا خدمات به مشتری برای شخصی دیگر (برای مثال، عمل به عنوان نماینده شخصی دیگر، طبق توصیف بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲)؛  
چ: اعطای حق نسبت به کالاها یا خدماتی که قرار است در آینده ارائه شود، به گونه ای که مشتری بتواند آن را مجدداً برای مشتریان خود فراهم کند یا به آنها بفروشد (برای مثال، یک واحد تجاری که محصول خود را به یک واحد بازرگانی می فروشد، متعهد می شود کالا یا خدمتی اضافی را به فردی که آن محصول را از واحد بازرگانی خریداری می کند، انتقال دهد)؛  
ح: ساخت، تولید یا ایجاد یک دارایی از جانب یک مشتری؛  
خ: اعطای مجوز (به بندهای ب ۵۶ تا ب ۶۹ مراجعه شود)؛ و  
د: اعطای اختیار خرید کالاها یا خدمات اضافی (در صورتی که اختیارات مذکور حق با اهمیتی برای مشتری ایجاد کند، طبق توصیف بندهای ب ۴۳ تا ب ۴۷)

۲۸ . کالا یا خدمت تعهد شده به مشتری، در صورت احراز هر دو معیار زیر متمایز محسوب میشود:  
الف: مشتری بتواند از آن کالا یا خدمت، به تنهایی یا همراه با سایر منابعی که به سهولت در دسترس است، منتفع شود (یعنی کالا یا خدمت قابلیت متمایز بودن را دارد)؛ و  
ب: تعهد واحد تجاری برای انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری، از سایر تعهدات مندرج در قرارداد بطور جداگانه قابل تشخیص باشد (یعنی تعهد برای انتقال کالا یا خدمت، در متن قرارداد متمایز شده باشد).

۲۹ . یک مشتری در صورتی می تواند طبق بند ۲۸ الف) از یک کالا یا خدمت منتفع شود که آن کالا یا خدمت را بتواند استفاده کند، مصرف کند، در ازای مبلغی بیشتر از ارزش اسقاط، آن را به فروش برساند یا به شیوه ای نگهداری کند که منافع اقتصادی آتی ایجاد نماید. در مورد برخی کالاها یا خدمات، مشتری ممکن است بتواند از کالا یا خدمت به تنهایی منتفع شود. در مورد برخی دیگر از کالاها یا خدمات مشتری ممکن است بتواند از کالا یا خدمت تنها در ترکیب با منابع دیگری که به سهولت در دسترس است، منتفع شود. منبع به سهولت در دسترس، کالا یا خدمتی است که بطور جداگانه به فروش میرسد (توسط واحد تجاری یا واحد تجاری دیگر) یا منبعی است که مشتری قبلاً آن را از واحد تجاری (شامل کالاها یا خدماتی که واحد تجاری طبق قرار داد، قبلاً به مشتری منتقل کرده است) یا از سایر معاملات یا رویدادها به دست آورده است. عوامل گوناگون ممکن است شواهدی فراهم کند که نشان می دهد مشتری می تواند از کالا یا خدمت، به تنهایی یا در ترکیب با سایر منابع به سهولت در دسترس منتفع شود. برای مثال، این موضوع که واحد تجاری یک کالا یا خدمت را معمولاً بطور جداگانه می فروشد، نشان میدهد که مشتری میتواند از آن کالا یا خدمت، به تنهایی یا در ترکیب با سایر منابع به سهولت در دسترس، منتفع شود.

۳۰ . هدف از ارزیابی اینکه تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، طبق بند ۲۸ ب) بطور جداگانه قابل تشخیص است یا خیر، این است که مشخص شود ماهیت تعهد در متن قرارداد، انتقال هر یک از آن کالاها یا خدمات بطور جداگانه است با انتقال یک قلم ترکیبی یا اقلامی است که کالاها یا خدمات مزبور، ورودی آنها میباشد. عواملی که نشان میدهد دو یا چند تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، بطور جداگانه قابل تشخیص نیست شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نیست:

الف: واحد تجاری خدمت قابل ملاحظه ای برای یکپارچه سازی آن کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد با سایر کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد ارائه میکند تا به بسته ای از کالاها یا خدماتی دست یابد که نشان دهنده یک خروجی

ترکیبی یا چندین خروجی است که مشتری برای دستیابی به آن خروجیها، قرارداد را منعقد کرده است. به عبارت دیگر، واحد تجاری از آن کالاها یا خدمات به عنوان ورودی استفاده میکند تا یک خروجی ترکیبی یا چندین خروجی مشخص شده توسط مشتری را تولید کند یا تحویل دهد. یک خروجی ترکیبی یا چندین خروجی ممکن است شامل بیش از یک مرحله، عنصر یا واحد باشد.

**ب:** یک یا چند کالا یا خدمات تعهد شده در قرارداد، بطور قابل ملاحظه ای یک یا چند کالا یا خدمات دیگر تعهد شده در قرارداد را تعدیل یا سفارشی سازی کند، یا بطور قابل ملاحظه ای توسط یک یا چند کالا یا خدمات دیگر تعهد شده در قرارداد تعدیل یا سفارشی سازی شود.

**پ:** کالاها یا خدمات، وابستگی یا ارتباط بسیار زیادی با یکدیگر داشته باشند. به عبارت دیگر، هر یک از کالاها یا خدمات، بطور قابل ملاحظه ای تحت تأثیر یک یا چند کالا یا خدمات دیگر مندرج در قرارداد قرار گیرد. برای مثال، در برخی موارد، دو یا چند کالا یا خدمات به این دلیل بطور قابل ملاحظه ای تحت تأثیر یکدیگر قرار میگیرند که واحد تجاری نمی تواند از طریق انتقال هر کدام از آن کالاها یا خدمات بطور مستقل از دیگری، تعهد خود را ایفا کند.

۳۱ . اگر کالا یا خدمات تعهد شده متمایز نباشد، واحد تجاری باید آن کالا یا خدمات را تا جایی با سایر کالاها یا خدمات تعهد شده ترکیب کند که بسته ای از کالاها یا خدمات متمایز را تشخیص دهد. در برخی موارد، این امر موجب میشود تمام کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد، به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد در نظر گرفته شوند.

#### ایفای تعهدات عملکردی:

۳۲ . واحد تجاری باید زمانی (یا در طول زمانی) درآمد عملیاتی را شناسایی کند که یک تعهد عملکردی را از طریق انتقال کالا یا خدمات تعهد شده (یعنی یک دارایی) به مشتری ایفا نماید یک دارایی زمانی (یا در طول زمانی) انتقال مییابد که مشتری کنترل آن دارایی را به دست می آورد.

۳۳ . برای هر تعهد عملکردی مشخص شده طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱، واحد تجاری باید در آغاز قرارداد تعیین کند که آیا تعهد عملکردی را در طول زمان (طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸) یا در نقطه ای از زمان (طبق بند ۳۹) ایفا میکند اگر واحد تجاری تعهد عملکردی را در طول زمان ایفا نکند، تعهد عملکردی در نقطه ای از زمان ایفا شده است.

۳۴ . کالاها و خدمات، در زمان دریافت و استفاده، حتی اگر برای لحظاتی باشد، دارایی هستند (همانطور که در مورد بسیاری از خدمات اینگونه است) کنترل یک دارایی به توانایی هدایت استفاده از دارایی و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده دارایی اشاره دارد. کنترل شامل توانایی منع سایر اشخاص از هدایت استفاده از دارایی و کسب منافع حاصل از دارایی است منافع یک دارایی، جریانهای نقدی (جریانهای نقدی ورودی یا جلوگیری از خروج جریانهای نقدی) بالقوه ای است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم، به شیوه های متعدد از جمله موارد زیر میتواند به دست آید:

**الف:** استفاده از دارایی برای تولید کالاها یا ارائه خدمات (شامل خدمات عمومی)؛

**ب:** استفاده از دارایی برای افزایش ارزش سایر داراییها؛

**پ:** استفاده از دارایی برای تسویه بدهیها یا کاهش هزینه ها؛

**ت:** فروش یا معاوضه دارایی؛

**ث:** وثیقه گذاشتن دارایی برای تضمین یک وام؛ و

**ج:** نگهداری دارایی

۳۵ . واحد تجاری، هنگام ارزیابی اینکه یک مشتری کنترل یک دارایی را به دست آورده است یا خیر، باید هرگونه توافق با خرید دارایی را مدنظر قرار دهد (به بندهای ب ۷۰ تا ب ۸۲ مراجعه شود).

### تعهدات عملکردی ایفا شده در طول زمان:

۳۶ . واحد تجاری، در صورت احراز هر یک از معیارهای زیر، کنترل کالا یا خدمت را در طول زمان منتقل میکند و بنابراین، در طول زمان تعهد عملکردی را ایفا و درآمد عملیاتی را شناسایی مینماید:

الف: مشتری، در طول زمان ایفای تعهد عملکردی توسط واحد تجاری منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری، را همزمان دریافت و مصرف کند (به بندهای ب۳ تا ب۴ مراجعه شود)؛

ب: عملکرد واحد تجاری دارایی، (برای مثال، کار در جریان پیشرفت) را ایجاد کند یا توسعه دهد که مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل کند (به بند ب۵ مراجعه شود)؛ یا

پ: عملکرد واحد تجاری، دارایی با کاربرد جایگزین برای واحد تجاری ایجاد نکند (به بند ۳۷ مراجعه شود) و واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق الزام آور داشته باشد (به بند ۳۸ مراجعه شود).

۳۷ . دارایی ایجاد شده از طریق عملکرد واحد تجاری، در صورتی برای واحد تجاری کاربرد جایگزین ندارد که واحد تجاری، در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، با قیود قراردادی برای هدایت دارایی به منظور استفاده ای دیگر مواجه باشد یا برای هدایت دارایی در وضعیت تکمیل شده جهت استفاده ای دیگر محدودیت عملی داشته باشد. ارزیابی اینکه دارایی برای واحد تجاری کاربرد جایگزین دارد یا خیر، در آغاز قرارداد صورت میگیرد. پس از آغاز قرارداد، واحد تجاری نباید ارزیابی کاربرد جایگزین دارایی را به روز آوری کند، مگر اینکه طرفهای قرارداد، تعدیلی در قرارداد را تأیید کنند که به موجب آن، تعهد عملکردی اساساً تغییر کند. در بندهای ب۶ تا ب۸، رهنمودهای ارزیابی اینکه دارایی برای واحد تجاری کاربرد جایگزین دارد یا خیر، ارائه شده است.

۳۸ . واحد تجاری هنگام ارزیابی اینکه طبق بند ۳۶(پ) نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق الزام آور دارد یا خیر، باید شرایط قرارداد و نیز قوانین مرتبط با قرارداد را مدنظر قرار دهد ضرورتی ندارد که حق نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، مبلغی ثابت باشد. با وجود این، اگر قرارداد به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهد توسط واحد تجاری، به وسیله مشتری یا شخص دیگری خاتمه یابد، واحد تجاری باید در تمام طول مدت قرارداد، نسبت به مبلغی محق باشد که حداقل، عملکرد تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را جبران کند. در بندهای ب۹ تا ب۱۳، در مورد ارزیابی وجود و الزام آور بودن حق نسبت به پرداخت مشتری و اینکه حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری واحد تجاری را به پرداخت مشتری، بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ محق می کند یا خیر، رهنمود ارائه شده است.

### تعهدات عملکردی ایفا شده در نقطه ای از زمان:

۳۹ . اگر واحد تجاری تعهد عملکردی را طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸ در طول زمان ایفا نکند، تعهد عملکردی در نقطه ای از زمان ایفا شده است. برای تعیین نقطه ای از زمان که در آن، مشتری کنترل دارایی تعهد شده را به دست می آورد و واحد تجاری تعهد عملکردی را ایفا می کند، واحد تجاری باید الزامات کنترل طبق بندهای ۳۲ تا ۳۵ را مد نظر قرار دهد. افزون بر این، واحد تجاری باید نشانه های انتقال کنترل، که شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نیست، را در نظر بگیرد:

الف: واحد تجاری حق فعلی نسبت به پرداخت مشتری بابت دارایی داشته باشد- چنانچه مشتری در حال حاضر متعهد به پرداخت بابت دارایی باشد، این موضوع ممکن است نشان دهد که مشتری توانایی هدایت استفاده از دارایی مورد مبادله را کسب کرده و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن دارایی را به دست آورده است.

ب: مشتری مالکیت قانونی دارایی را داشته باشد- مالکیت قانونی ممکن است نشان دهد که کدام یک از طرفهای قرارداد توانایی هدایت استفاده از دارایی را دارد و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی را به دست می آورد،

یا می تواند دسترسی واحدهای تجاری دیگر به منافع مذکور را محدود کند. بنابراین، انتقال مالکیت قانونی یک دارایی ممکن است نشان دهد که مشتری کنترل دارایی را به دست آورده است. اگر واحد تجاری مالکیت قانونی را صرفاً به منظور محافظت در برابر عدم پرداختهای مشتری حفظ کند، این حق واحد تجاری مانع به دست آوردن کنترل دارایی توسط مشتری نمی شود.

**پ:** واحد تجاری تصرف فیزیکی دارایی را منتقل کرده باشد- تصرف فیزیکی دارایی ممکن است نشان دهد مشتری توانایی هدایت استفاده از دارایی را دارد و تقریباً تمام منافع باقیمانده دارایی را به دست می آورد، یا میتواند دسترسی واحدهای تجاری دیگر به منافع مذکور را محدود کند. با وجود این، تصرف فیزیکی و کنترل دارایی، ممکن است همزمان با یکدیگر وجود نداشته باشند. برای مثال، در برخی توافقاتی بازخريد و در برخی قراردادهای حق عملکردی، مشتری یا حق العمل کار ممکن است تصرف فیزیکی دارایی تحت کنترل واحد تجاری را داشته باشد. در مقابل، در برخی توافقاتی فروش و نگهداری، واحد تجاری ممکن است تصرف فیزیکی دارایی تحت کنترل مشتری را داشته باشد. در بندهای ب ۷۰ تا ب ۸۲ ب ۸۳ تا ب ۸۴ و ب ۸۵ تا ب ۸۸، به ترتیب رهنمودهایی درباره حسابداری توافقاتی بازخريد، توافقاتی حق عملکردی و توافقاتی فروش و نگهداری ارائه شده است

**ت:** مشتری ریسکها و مزایای عمده مالکیت دارایی را داشته باشد- انتقال ریسکها و مزایای عمده مالکیت یک دارایی به مشتری ممکن است نشان دهد آن مشتری، توانایی هدایت استفاده از دارایی و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی را به دست آورده است. با وجود این، هنگام ارزیابی ریسکها و مزایای مالکیت دارایی تعهد شده، واحد تجاری باید ریسکی که منجر به ایجاد تعهد عملکردی جداگانه، مزاد بر تعهد عملکردی انتقال دارایی میشود را مستثنی کند. برای مثال، واحد تجاری ممکن است کنترل دارایی را به مشتری انتقال داده باشد، اما هنوز تعهد عملکردی اضافی برای ارائه خدمات حفاظت و نگهداری مرتبط با دارایی انتقال یافته را ایفا نکرده باشد.

**ث:** مشتری دارایی را پذیرفته باشد- پذیرش دارایی توسط مشتری ممکن است بیانگر آن باشد که مشتری توانایی هدایت استفاده از دارایی و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی را به دست آورده است. برای ارزیابی تأثیر شرطهای قراردادی پذیرش توسط مشتری بر زمان انتقال کنترل دارایی، واحد تجاری باید رهنمود مندرج در بندهای ب ۸۹ تا ب ۹۲ را مورد توجه قرار دهد.

### اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی:

۴۰ . برای هر تعهد عملکردی که طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸ در طول زمان ایفا میشود، واحد تجاری باید درآمد عملیاتی را در طول زمان از طریق اندازه گیری پیشرفت، در ایفای کامل تعهد عملکردی مذکور شناسایی کند. هنگام اندازه گیری پیشرفت هدف این است که عملکرد واحد تجاری در انتقال کنترل کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتری (یعنی ایفای تعهد عملکردی واحد تجاری) نشان داده شود.

۴۱ . واحد تجاری باید از یک روش واحد برای اندازه گیری پیشرفت هر تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان استفاده کند و باید آن روش را بطور یکنواخت برای تعهدات عملکردی مشابه و در شرایط مشابه بکار گیرد. در پایان هر دوره گزارشگری، واحد تجاری باید پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان را تجدید اندازه گیری کند.

### روشهای اندازه گیری پیشرفت:

۴۲ . روشهای مناسب اندازه گیری پیشرفت، شامل روشهای مبتنی بر خروجی و روشهای مبتنی بر ورودی است. برای بکارگیری روشهای مبتنی بر خروجی و روشهای مبتنی بر ورودی توسط واحد تجاری به منظور اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهدات عملکردی، در بندهای ب ۱۴ تا ب ۱۹ رهنمود ارائه میشود. واحد تجاری، در تعیین روش مناسب برای اندازه گیری پیشرفت، باید ماهیت کالا یا خدمتی که متعهد است به مشتری مستقل کند را مدنظر قرار دهد.

استاندارد حسابداری ۴۳  
درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

۴۳ . واحد تجاری هنگام بکارگیری یک روش برای اندازه گیری پیشرفت باید هر گونه کالا یا خدمتی که کنترل آن را به مشتری منتقل نمی کند، از اندازه گیری پیشرفت مستثنی نماید. در مقابل، واحد تجاری باید هر گونه کالا یا خدمتی که کنترل آن را با ایفای تعهد عملکردی به مشتری منتقل میکند، در اندازه گیری پیشرفت در نظر بگیرد.

۴۴ . واحد تجاری باید با تغییر شرایط در طول زمان، اندازه گیری پیشرفت را به روز آوری کند تا هرگونه تغییر در نتیجه تعهد عملکردی را منعکس نماید. چنین تغییراتی در اندازه گیری پیشرفت واحد تجاری، باید طبق استاندارد حسابداری ۳۴ رویه های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، به عنوان تغییر در برآورد حسابداری در نظر گرفته شود.

### اندازه گیری معقول پیشرفت:

۴۵ . واحد تجاری تنها در صورتی که بتواند بطور معقول پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی را اندازه گیری کند، باید بابت تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان، درآمد عملیاتی شناسایی کند. چنانچه اطلاعات قابل اتکای لازم برای بکارگیری روش مناسب اندازه گیری پیشرفت وجود نداشته باشد، واحد تجاری نمیتواند پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی را بطور معقول اندازه گیری کند.

۴۶ . واحد تجاری در برخی شرایط (برای مثال، در مراحل ابتدایی قرارداد) ممکن است نتواند نتیجه یک تعهد عملکردی را بطور معقول اندازه گیری کند اما انتظار داشته باشد مخارج تحمل شده برای ایفای تعهد عملکردی را بازیافت نماید. در این شرایط، مادامی که واحد تجاری نتواند نتیجه تعهد عملکردی را بطور معقول اندازه گیری کند، باید درآمد عملیاتی را تنها تا میزان مخارج تحمل شده شناسایی نماید.

### اندازه گیری:

۴۷ . واحد تجاری زمانی (یا در طول زمانی) که تعهد عملکردی ایفا میشود، باید قیمت معامله (که برآورد ما به ازای متغیر محدود شده طبق بندهای ۵۷ تا ۵۹ از آن مستثنی شده است) را که به آن تعهد عملکردی تخصیص یافته است، به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند.

### تعیین قیمت معامله:

۴۸ . واحد تجاری باید شرایط قرارداد و رویههای مرسوم تجاری خود را برای تعیین قیمت معامله در نظر بگیرد. قیمت معامله، مبلغ ما به ازای است که واحد تجاری انتظار دارد در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتری، نسبت به آن محق باشد، به استثنای مبالغی که به نمایندگی از اشخاص ثالث وصول میشود (برای مثال، مالیات بر ارزش افزوده) ما به ازای تعهد شده در قرارداد با مشتری، ممکن است شامل مبالغ ثابت، مبالغ متغیر، یا هر دو باشد.

۴۹ . ماهیت، زمانبندی و مبلغ ما به ازای تعهد شده توسط مشتری، بر برآورد قیمت معامله تأثیر میگذارد. هنگام تعیین قیمت معامله، واحد تجاری باید آثار تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

- الف: ما به ازای متغیر (به بندهای ۵۱ تا ۵۶ و ۶۰ مراجعه شود)؛
- ب: محدود کردن برآوردهای ما به ازای متغیر (به بندهای ۵۷ تا ۵۹ مراجعه شود)؛
- پ: وجود جزء تأمین مالی با اهمیت در قرارداد (به بندهای ۶۱ تا ۶۶ مراجعه شود)؛
- ت: ما به ازای غیر نقدی (به بندهای ۶۷ تا ۷۰ مراجعه شود)؛ و
- ث: ما به ازای قابل پرداخت به مشتری (به بندهای ۷۱ تا ۷۳ مراجعه شود).

۵۰ . واحد تجاری برای تعیین قیمت معامله باید فرض کند که کالاها یا خدمات، طبق مشخصات مندرج در قرارداد فعلی به مشتری انتقال خواهد یافت و قرارداد، فسخ، تمدید یا تعدیل نخواهد شد.

#### ما به ازای متغیر:

۵۱ . اگر ما به ازای تعهد شده در قرارداد شامل یک مبلغ متغیر باشد، واحد تجاری باید مبلغ ما به ازایی که در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتری، نسبت به آن محق است را برآورد کند.

۵۲ . مبلغ ما به ازای می تواند به دلیل تخفیفها، استردادها، اعتبارات، مشوقهای قیمت، مشوقها، پاداشهای عملکرد، جرائم یا اقلام مشابه دیگر تغییر کند. در صورتی که حق واحد تجاری نسبت به ما به ازای، مشروط به وقوع یا عدم وقوع یک رویداد آتی باشد نیز ما به ازای تعهد شده می تواند تغییر کند. برای مثال، اگر محصول با حق برگشت به فروش برسد یا اگر مبلغ ثابتی به عنوان پاداش عملکرد برای دستیابی به یک سطح مشخص تعهد شود، مبلغ ما به ازای متغیر است.

۵۳ . متغیر بودن ما به ازای تعهد شده توسط مشتری، ممکن است به صراحت در قرارداد ذکر شده باشد. افزون بر شرایط قرارداد، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، ما به ازای تعهد شده، متغیر است:

الف: مشتری در نتیجه رویه های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه های خاص منتشر شده واحد تجاری، توقع به جایی داشته باشد که واحد تجاری مبلغ ما به ازایی کمتر از قیمت ذکر شده در قرارداد را بپذیرد. یعنی انتظار می رود که واحد تجاری مشوق قیمت پیشنهاد کند. این پیشنهاد، با توجه به حوزه مقرراتی، صنعت یا مشتری میتواند به عنوان تخفیف، استرداد یا اعتبار مطرح شود.

ب: سایر واقعهها و شرایط نشان دهد که قصد واحد تجاری هنگام انعقاد قرارداد با مشتری، پیشنهاد مشوق قیمت به مشتری است.

۵۴ . واحد تجاری باید با استفاده از یکی از روشهای زیر، بسته به اینکه واحد تجاری انتظار دارد کدام روش مبلغ ما به ازایی که نسبت به دریافت آن محق خواهد بود را بهتر پیش بینی کند، مبلغ ما به ازای متغیر را برآورد نماید:

الف: ارزش مورد انتظار - ارزش مورد انتظار، مجموع مبالغ موزون شده بر اساس احتمالات، در دامنه ای از مبالغ ممکن ما به ازای است. در صورتی که واحد تجاری تعداد زیادی قرارداد با ویژگیهای مشابه داشته باشد، ارزش مورد انتظار ممکن است برآورد مناسبی از مبلغ ما به ازای متغیر باشد.

ب: محتمل ترین مبلغ - محتمل ترین مبلغ، مبلغی است که در دامنه ای از مبالغ ما به ازای ممکن، بیشترین احتمال وقوع را دارد (یعنی محتمل ترین نتیجه قرار داد). در صورتی که قرارداد تنها دو نتیجه ممکن داشته باشد (برای مثال، اینکه واحد تجاری به پاداش عملکرد میرسد یا خیر)، محتمل ترین مبلغ، ممکن است برآورد مناسبی از مبلغ ما به ازای متغیر باشد.

۵۵ . واحد تجاری برای برآورد اثر عدم اطمینان بر مبلغ ما به ازای متغیری که نسبت به آن محق است، باید یک روش را بطور یکنواخت در کل دوره قرارداد بکار گیرد. افزون بر این، واحد تجاری باید تمام اطلاعاتی (تاریخی، جاری و پیش بینی) که بطور معقول به آنها دسترسی دارد را مدنظر قرار دهد و میزان معقول مبلغ ما به ازای ممکن را مشخص کند. اطلاعاتی که واحد تجاری برای برآورد مبلغ ما به ازای متغیر استفاده میکند، بطور معمول مشابه اطلاعاتی است که مدیریت واحد تجاری در فرایند پیشنهاد قیمت و در تعیین قیمت کالاها یا خدمات تعهد شده مورد استفاده قرار میدهد.

#### بدهی های استرداد:

۵۶. در صورتی که واحد تجاری ما به ازایی از مشتری دریافت کند و انتظار استرداد تمام یا قسمتی از آن ما به ازای ما را به مشتری داشته باشد، واحد تجاری باید بدهی استرداد شناسایی کند بدهی استرداد، به مبلغ ما به ازای دریافتی (یا دریافتی) که واحد تجاری انتظار ندارد نسبت به آن محق باشد، اندازه گیری میشود (یعنی مبالغی که در قیمت معامله منظور نشده است). بدهی استرداد و (تغییر متناظر در قیمت معامله و بنابراین بدهی ناشی از قرارداد) باید در پایان هر دوره گزارشگری، بابت تغییر در شرایط به روز آوری شود. واحد تجاری برای به حساب گرفتن بدهی استرداد مربوط به فروش با حق برگشت، باید رهنمود مندرج در بندهای ب ۲۰ تا ب ۲۷ را بکار گیرد.

#### محدود کردن برآوردهای ما به ازای متغیر:

۵۷. واحد تجاری باید تمام یا قسمتی از مبلغ ما به ازای متغیر برآورد شده طبق بند ۵۴ را تنها تا میزانی در قیمت معامله منظور کند که در صورت برطرف شدن عدم اطمینان مرتبط با ما به ازای متغیر در آینده، بسیار محتمل باشد که برگشت عمده ای در مبلغ درآمد عملیاتی انباشته شناسایی شده رخ ندهد.

۵۸. در ارزیابی اینکه در صورت برطرف شدن عدم اطمینان مرتبط با ما به ازای متغیر در آینده، آیا بسیار محتمل است که برگشت عمده ای در مبلغ درآمد عملیاتی انباشته شناسایی شده رخ ندهد، واحد تجاری باید احتمال برگشت در آمد عملیاتی و میزان برگشت درآمد عملیاتی را مدنظر قرار دهد. عواملی که میتواند احتمال یا میزان برگشت درآمد عملیاتی را افزایش دهد، شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نمی شود:

الف: مبلغ ما به ازای نسبت به عواملی که خارج از کنترل واحد تجاری است، بسیار حساس باشد. این عوامل ممکن است شامل نوسان در بازار، قضاوت یا اقدامات اشخاص ثالث، وضعیت آب و هوا و ریسک بالای منسوخ شدن کالا یا خدمت تعهد شده باشد.

ب: انتظار نرود عدم اطمینان مرتبط با مبلغ ما به ازای، برای مدت طولانی برطرف شود.

پ: تجربه واحد تجاری (یا سایر شواهد) در ارتباط با انواع قراردادهای مشابه محدود باشد، یا تجربه (یا سایر شواهد) مذکور، ارزش پیش بینی کنندگی محدودی داشته باشد.

ت: رویه واحد تجاری، پیشنهاد دامنه وسیعی از مشوقهای قیمت یا تغییر مفاد و شرایط پرداخت قراردادهای مشابه در شرایط مشابه باشد.

ث: قرارداد دارای تعداد زیادی و دامنه وسیعی از مبالغ ما به ازای ممکن باشد.

۵۹. واحد تجاری برای به حساب منظور کردن ما به ازای به شکل حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده که در ازای مجوز دارایی فکری تعهد شده است، باید بند ب ۶۷ را بکار گیرد.

#### ارزیابی مجدد ما به ازای متغیر:

۶۰. واحد تجاری باید در پایان هر دوره گزارشگری، قیمت برآوردی معامله را به منظور بیان صادقانه شرایط موجود در پایان دوره گزارشگری و تغییر در شرایط طی دوره گزارشگری، به روز آوری کند (شامل به روز آوری ارزیابی اینکه برآورد ما به ازای متغیر، محدود شده است یا خیر) واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را طبق بندهای ۸۸ تا ۹۱ به حساب منظور کند.

#### وجود جزء تأمین مالی با اهمیت در قرارداد:

۶۱. در تعیین قیمت معامله، واحد تجاری در صورتی باید مبلغ ما به ازای تعهد شده را بابت آثار ارزش زمانی پول تعدیل کند که زمانبندی پرداختهای مورد توافق طرفهای قرارداد (بطور صریح یا ضمنی)، برای مشتری یا واحد تجاری منافع عمده ای از طریق تأمین مالی جهت انتقال کالاها یا خدمات به مشتری فراهم کند. در چنین شرایطی، قرارداد در بردارنده جزء تأمین مالی با اهمیت است. جزء تأمین مالی با اهمیت ممکن است از طریق تصریح تعهد تأمین مالی در قرارداد یا بیان ضمنی از طریق شرایط پرداخت مورد توافق طرفهای قرارداد، وجود داشته باشد.

۶۲ . هدف واحد تجاری هنگام تعدیل مبلغ ما به ازای تعهد شده بابت جزء تأمین مالی با اهمیت، شناسایی درآمد عملیاتی به مبلغی برابر با قیمتی است که اگر قرار بود مشتری برای کالاها یا خدمات تعهد شده، در زمان (یا در طول زمان) انتقال کالاها یا خدمات به مشتری وجه نقد پرداخت کند (یعنی قیمت فروش نقدی)، قیمت مزبور را بابت آن کالاها یا خدمات پرداخت میکرد واحد تجاری برای ارزیابی اینکه قرارداد جزء تأمین مالی دارد یا خیر و اینکه جزء تأمین مالی مذکور، در قرارداد از اهمیت برخوردار است یا خیر، باید تمام واقعیتها و شرایط مربوط، شامل هر دو مورد زیر را مدنظر قرار دهد:

الف: تفاوت بین مبلغ ما به ازای تعهد شده و قیمت فروش نقدی کالاها یا خدمات تعهد شده، در صورت وجود؛ و  
ب: اثر ترکیبی هر دو مورد زیر:

۱) مدت زمان مورد انتظار بین زمان انتقال کالاها یا خدمات تعهد شده توسط واحد تجاری به مشتری و زمان پرداخت توسط مشتری بابت کالاها یا خدمات مذکور؛ و  
۲) نرخهای سود رایج در بازار مربوط

۶۳ . علی رغم ارزیابی مندرج در بند ۶۱، در صورت وجود هر یک از عوامل زیر، قرارداد با مشتری جزء تأمین مالی با اهمیت ندارد:

الف: مشتری بابت کالاها یا خدمات، پیش پرداخت انجام داده باشد و زمانبندی انتقال کالاها یا خدمات مذکور، در اختیار مشتری باشد.

ب: قسمت عمده مبلغ ما به ازای تعهد شده توسط مشتری، متغیر باشد و مبلغ یا زمانبندی ما به ازای مذکور، بر مبنای وقوع یا عدم وقوع یک رویداد آتی که اساساً در کنترل واحد تجاری یا مشتری نیست، تغییر کند (برای مثال، در صورتی که ما به ازای، حق امتیاز مبنی بر فروش باشد).

پ: تفاوت بین ما به ازای تعهد شده و قیمت فروش نقدی کالا یا خدمت (طبق توصیف بند ۶۲)، به دلایلی غیر از تأمین منابع مالی برای مشتری یا واحد تجاری ایجاد شده باشد، و تفاوت بین آن مبالغ متناسب با دلیل تفاوت باشد. برای مثال، شرایط پرداخت ممکن است به گونه ای باشد که از مشتری یا واحد تجاری در برابر عدم ایفای کامل تمام یا قسمتی از تعهدات مندرج در قرارداد توسط طرف دیگر، محافظت کند.

۶۴ . به عنوان یک اقتضای عملی، اگر واحد تجاری در آغاز قرارداد انتظار داشته باشد که دوره زمانی بین انتقال کالا یا خدمت تعهد شده توسط واحد تجاری به مشتری و پرداخت توسط مشتری بابت کالا یا خدمت مذکور، یکسال یا کمتر باشد، ضرورتی ندارد واحد تجاری مبلغ ما به ازای تعهد شده را بابت آثار جزء تأمین مالی با اهمیت تعدیل کند.

۶۵ . برای دستیابی به هدف بند ۶۱، هنگام تعدیل مبلغ ما به ازای تعهد شده بابت جزء تأمین مالی با اهمیت، واحد تجاری باید از نرخ تنزیلی استفاده کند که اگر در آغاز قرارداد یک معامله تأمین مالی جداگانه بین واحد تجاری و مشتری انجام می شد، آن نرخ تنزیل مورد استفاده قرار میگرفت نرخ مذکور، ویژگیهای اعتباری طرف دریافت کننده تأمین مالی در قرارداد، و نیز هر گونه وثیقه یا تضمین تأمین شده توسط مشتری یا واحد تجاری، از جمله داراییهای منتقل شده در قرارداد را منعکس میکند واحد تجاری ممکن است بتواند با مشخص کردن نرخ تنزیلی که ارزش فعلی مبلغ اسمی ما به ازای تعهد شده را با پرداخت نقدی مشتری بابت کالاها یا خدمات در زمان (یا در طول زمان) انتقال آنها به مشتری برابر می کند، نرخ مورد نظر را تعیین نماید. واحد تجاری پس از آغاز قرارداد نباید نرخ تنزیل را بابت تغییر در نرخهای سود یا سایر شرایط (نظیر تغییر در ارزیابی ریسک اعتباری مشتری) به روز آوری کند.



۶۶ . واحد تجاری باید آثار تأمین مالی (درآمد مالی یا هزینه مالی) را جدا از درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتری در صورت سود و زیان ارائه کند. در آمد مالی یا هزینه مالی تنها تا میزانی شناسایی میشود که دارایی حاصل از قرارداد (یا دریافتی) یا بدهی ناشی از قرارداد، هنگام به حساب گرفتن قرارداد با مشتری، شناسایی شده باشد.

#### ما به ازای غیر نقدی:

۶۷ . برای تعیین قیمت معامله در قراردادهایی که مشتری ما به ازای آن را به صورت غیر نقد تعهد می کند، واحد تجاری باید ما به ازای غیر نقدی (یا تعهد ما به ازای غیر نقدی) را به ارزش منصفانه اندازه گیری کند.

۶۸ . اگر واحد تجاری نتواند ارزش منصفانه ما به ازای غیر نقدی را بطور معقول برآورد کند، باید ما به ازای آن را بطور غیر مستقیم، با مراجعه به قیمت فروش مستقل کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتری (یا طبقه مشتری) در ازای ما به ازای مذکور، اندازه گیری نماید.

۶۹ . ارزش منصفانه ما به ازای غیر نقدی ممکن است به دلیل نوع ما به ازای تغییر کند (برای مثال، تغییر در قیمت سهمی که واحد تجاری نسبت به دریافت آن از مشتری محق است). اگر ارزش منصفانه ما به ازای غیر نقدی تعهد شده توسط مشتری، به دلایلی غیر از صرفاً نوع ما به ازای تغییر کند (برای مثال، ارزش منصفانه میتواند به دلیل عملکرد واحد تجاری تغییر یابد)، واحد تجاری باید الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۵۹ را بکار گیرد.

۷۰ . اگر مشتری در تأمین کالاها یا خدمات (برای مثال، مواد اولیه تجهیزات یا نیروی کار) برای تسهیل ایفای قرارداد توسط واحد تجاری، مشارکت کند، واحد تجاری باید ارزیابی کند آیا کنترل کالاها یا خدمات مزبور را به دست آورده است یا خیر. واحد تجاری باید در صورت کسب کنترل، این کالاها یا خدمات را به عنوان ما به ازای غیر نقدی دریافتی از مشتری در نظر گیرد.

#### ما به ازای قابل پرداخت به مشتری:

۷۱ . ما به ازای قابل پرداخت به مشتری شامل مبالغ نقدی است که واحد تجاری به مشتری (یا به اشخاص دیگری که کالاها یا خدمات واحد تجاری را از مشتری خریداری میکنند) پرداخت میکند یا انتظار دارد پرداخت کند ما به ازای قابل پرداخت به مشتری، همچنین شامل اعتبار یا سایر ارقام (برای مثال، کوپن تخفیف) است که میتواند در مقابل مبلغ بدهی به واحد تجاری (یا به اشخاص دیگری که کالاها یا خدمات واحد تجاری را از مشتری خریداری میکنند) مورد استفاده قرار گیرد واحد تجاری باید ما به ازای قابل پرداخت به مشتری را به عنوان کاهش قیمت معامله و بنابراین کاهش درآمد عملیاتی در نظر بگیرد، مگر اینکه پرداخت به مشتری در قبال کالا یا خدمت متمایزی (طبق توصیف بندهای ۲۷ تا ۳۱) باشد که مشتری به واحد تجاری مستقل می کند. اگر ما به ازای قابل پرداخت به مشتری در بردارنده مبلغی متغیر باشد، واحد تجاری باید طبق بندهای ۵۱ تا ۵۹، قیمت معامله را برآورد کند (شامل ارزیابی اینکه برآورد ما به ازای متغیر، محدود شده است یا خیر).

۷۲ . اگر ما به ازای قابل پرداخت به مشتری، بابت کالا یا خدمت متمایزی باشد که مشتری به واحد تجاری منتقل می کند، واحد تجاری باید خرید کالا یا خدمت را به همان شیوه ای به حساب منظور کند که سایر خریدها از عرضه کنندگان را به حساب منظور می نماید. اگر مبلغ ما به ازای قابل پرداخت به مشتری از ارزش منصفانه کالا یا خدمت متمایزی که واحد تجاری از مشتری دریافت می کند بیشتر باشد، واحد تجاری باید این مبلغ مازاد را به عنوان کاهش قیمت معامله در نظر بگیرد. اگر واحد تجاری نتواند ارزش منصفانه کالا یا خدمت دریافتی از مشتری را بطور معقول برآورد کند، باید تمام ما به ازای قابل پرداخت به مشتری را به عنوان کاهش قیمت معامله به حساب بگیرد.

۷۳. بر همین اساس، اگر ما به ازای قابل پرداخت به مشتری، به عنوان کاهش قیمت معامله در نظر گرفته شود، واحد تجاری باید کاهش درآمد عملیاتی را در زمان (یا در طول زمان) وقوع یکی از رویدادهای زیر هر کدام که دیرتر باشد، شناسایی کند:

**الف:** واحد تجاری بابت انتقال کالاها یا خدمات مرتبط به مشتری، درآمد عملیاتی شناسایی می کند؛ و  
**ب:** واحد تجاری ما به ازای پرداخت میکند یا متعهد به پرداخت ما به ازای میشود (حتی اگر پرداخت مشروط به رویداد آتی باشد).

تعهد مذکور ممکن است بطور ضمنی از طریق رویه های مرسوم تجاری واحد تجاری الزامی شده باشد.

### تخصیص قیمت معامله به تعهدات عملکردی:

۷۴. هدف واحد تجاری هنگام تخصیص قیمت معامله این است که قیمت معامله را به هر تعهد عملکردی یا کالا یا خدمت متمایز به مبلغی تخصیص دهد که نشان دهنده مبلغ ما به ازایی باشد که واحد تجاری انتظار دارد در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتری، نسبت به آن محق باشد.

۷۵. واحد تجاری برای دستیابی به هدف تخصیص، باید قیمت معامله را بر مبنای قیمت فروش مستقل نسبی طبق بندهای ۷۷ تا ۸۱، به استثنای موارد مشخص شده در بندهای ۸۲ تا ۸۴ (برای تخصیص تخفیفها) و بندهای ۸۵ تا ۸۷ (برای تخصیص مابه ازایی که شامل مبالغ متغیر است)، به هر تعهد عملکردی مشخص شده در قرارداد تخصیص دهد.

۷۶. اگر یک قرارداد، تنها یک تعهد عملکردی منفرد داشته باشد، بندهای ۷۷ تا ۸۷ کاربرد ندارد. با وجود این، اگر واحد تجاری متعهد باشد مجموعه ای از کالاها یا خدمات متمایز مشخص شده را طبق بند ۲۳ (ب) به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد انتقال دهد و ما به ازای تعهد شده شامل مبالغ متغیر باشد، بندهای ۸۵ تا ۸۷ ممکن است کاربرد داشته باشد.

### تخصیص بر مبنای قیمت های فروش مستقل:

۷۷. واحد تجاری برای تخصیص قیمت معامله به هر تعهد عملکردی بر مبنای قیمت فروش مستقل نسبی، باید در آغاز قرارداد قیمت فروش مستقل کالا یا خدمت متمایزی که اساس هر تعهد عملکردی مندرج در قرارداد است را تعیین کند و قیمت معامله را متناسب با آن قیمت های فروش مستقل، تخصیص دهد.

۷۸. قیمت فروش مستقل، قیمتی است که واحد تجاری یک کالا یا خدمت تعهد شده را بطور جداگانه به آن قیمت به یک مشتری می فروشد. بهترین شواهد قیمت فروش مستقل قیمت قابل مشاهده یک کالا یا خدمت در زمانی است که واحد تجاری، آن کالا یا خدمت را بطور جداگانه در شرایط مشابه و به مشتریان مشابه به فروش میرساند قیمت ذکر شده در قرارداد یا قیمت مندرج در فهرست قیمت ها برای یک کالا یا خدمت نیز ممکن است (اما نباید تصور شود که حتماً چنین است) قیمت فروش مستقل آن کالا یا خدمت محسوب شود.

۷۹. اگر قیمت فروش مستقل بطور مستقیم قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری باید قیمت فروش مستقل را به مبلغی برآورد کند که موجب شود قیمت معامله به گونه ای تخصیص یابد که هدف تخصیص مندرج در بند ۷۴ احراز گردد. واحد تجاری هنگام برآورد قیمت فروش مستقل، باید تمام اطلاعاتی (شامل شرایط بازار عوامل مختص واحد تجاری و اطلاعاتی درباره مشتری یا طبقه مشتری) که بطور معقول به آنها دسترسی دارد را در نظر بگیرد. به همین منظور، واحد تجاری باید استفاده از ورودیهای قابل مشاهده را حداکثر کند و در شرایط مشابه، روشهای برآورد را بطور یکنواخت بکار گیرد.

۸۰. روشهای مناسب برآورد قیمت فروش مستقل کالا یا خدمت شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نیست:

**الف:** رویکرد ارزیابی بازار تعدیل شده - واحد تجاری میتواند بازاری را که کالاها یا خدمات خود را در آن به فروش می‌رساند، ارزیابی کند و قیمتی که مشتری در آن بازار تمایل دارد در ازای کالاها یا خدمات مذکور پرداخت نماید را برآورد کند. همچنین، این رویکرد ممکن است شامل مراجعه به قیمت‌های به دست آمده از رقبای واحد تجاری برای کالاها یا خدمات مشابه و در صورت لزوم، تعدیل آن قیمت‌ها جهت انعکاس بهای تمام شده و حاشیه سود واحد تجاری باشد.

**ب:** رویکرد بهای تمام شده مورد انتظار به اضافه حاشیه سود - واحد تجاری میتواند بهای تمام شده مورد انتظار ایفای تعهد عملکردی را پیش بینی کند و سپس برای کالا یا خدمت مذکور، حاشیه سود مناسبی را اضافه نماید.

**پ:** رویکرد باقیمانده - واحد تجاری ممکن است قیمت فروش مستقل را با مراجعه به کل قیمت معامله پس از کسر مجموع قیمت‌های فروش مستقل قابل مشاهده سایر کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد، برآورد کند. با وجود این، واحد تجاری برای برآورد قیمت فروش مستقل یک کالا یا خدمت طبق بند ۷۸، تنها در صورت احراز یکی از شرایط زیر، ممکن است از رویکرد باقیمانده استفاده کند:

- ۱) واحد تجاری کالا یا خدمت یکسانی را به مشتریان مختلف (همزمان یا در زمانهای نزدیک به هم) در دامنه گسترده ای از مبالغ به فروش برساند (یعنی قیمت فروش بسیار متغیر است زیرا یک قیمت فروش مستقل معرف، بر اساس معاملات گذشته یا سایر شواهد قابل مشاهده، قابل تشخیص نیست)؛ یا
- ۲) واحد تجاری هنوز قیمتی را برای کالا یا خدمت مذکور تعیین نکرده باشد و آن کالا یا خدمت، قبلاً بطور مستقل به فروش نرسیده باشد (یعنی قیمت فروش نامشخص است).

۸۱. اگر قیمت فروش مستقل دو یا چند کالا یا خدمت از کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد، بسیار متغیر یا نامشخص باشد، ممکن است برای برآورد قیمت فروش مستقل آن کالاها یا خدمات، ترکیبی از روشها مورد نیاز باشد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است برای برآورد قیمت فروش مستقل تجمیعی کالاها یا خدمات تعهد شده ای که قیمت فروش مستقل بسیار متغیر یا نامشخص دارند، از رویکرد باقیمانده استفاده کند و سپس، روش دیگری را برای برآورد قیمت فروش مستقل هر یک از کالاها یا خدمات، متناسب با قیمت فروش مستقل تجمیعی برآورد شده با استفاده از رویکرد باقیمانده، بکار گیرد. هنگامی که واحد تجاری ترکیبی از روشها را برای برآورد قیمت فروش مستقل کالا یا خدمت تعهد شده در قرارداد مورد استفاده قرار می‌دهد، باید ارزیابی کند که آیا تخصیص قیمت معامله با استفاده از آن قیمت‌های فروش مستقل برآوردی، با هدف تخصیص مندرج در بند ۷۴ و الزامات برآورد قیمت‌های فروش مستقل در بند ۷۹، سازگار است یا خیر.

### تخصیص تخفیف:

۸۲. در صورتی که جمع قیمت‌های فروش مستقل بسته ای از کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد بیشتر از ما به ازای تعهد شده در قرارداد باشد، مشتری بابت خرید آن بسته از کالاها یا خدمات تخفیف دریافت می‌کند. به استثنای زمانی که واحد تجاری شواهد قابل مشاهده ای طبق بند ۸۳ دارد که نشان میدهد کل مبلغ تخفیف، تنها با یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد، نه تمام آنها، مرتبط است، واحد تجاری باید تخفیف را به تناسب به تمام تعهدات عملکردی تخصیص دهد. تخصیص متناسب تخفیف در شرایط مذکور، نتیجه تخصیص قیمت معامله توسط واحد تجاری به هر تعهد عملکردی، بر مبنای قیمت‌های فروش مستقل نسبی کالاها یا خدمات متمایزی است که اساس هر تعهد عملکردی را تشکیل میدهد.

۸۳. واحد تجاری باید در صورت احراز تمام معیارهای زیر، کل تخفیف را به یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد، نه به تمام آنها، تخصیص دهد:

**الف:** واحد تجاری، بطور معمول هر کالا یا خدمت متمایز (یا هر بسته از کالاها یا خدمات متمایز) مندرج در قرارداد را به صورت مستقل بفروشد؛

ب: واحد تجاری، همچنین بطور معمول یک بسته یا بسته‌هایی از برخی از آن کالاها یا خدمات متمایز را با تخفیف نسبت به قیمت‌های فروش مستقل کالاها یا خدمات موجود در هر مجموعه، به صورت مستقل بفروشد؛ و  
پ: تخفیف قابل انتساب به هر بسته از کالاها یا خدمات توصیف شده در بند ۸۳(ب)، تقریباً با کل تخفیف مندرج در قرارداد یکسان باشد و تجزیه و تحلیل کالاها یا خدمات موجود در هر بسته، شواهدی قابل مشاهده از تعهد عملکردی (یا تعهدات عملکردی) که کل تخفیف قرارداد به آن تعلق دارد، فراهم کند.

۸۴. اگر طبق بند ۸۳، کل تخفیف به یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد تخصیص داده شود، واحد تجاری باید تخفیف را قبل از بکارگیری رویکرد باقیمانده برای برآورد قیمت فروش مستقل یک کالا یا خدمت طبق بند ۸۰(پ)، تخصیص دهد.

### تخصیص ما به ازای متغیر:

۸۵. ما به ازای متغیر تعهد شده در قرارداد، ممکن است به کل قرارداد یا به بخش معینی از قرارداد، مانند هر یک از موارد زیر، قابل انتساب باشد:

الف: یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد، نه تمام آنها (برای مثال، پاداش ممکن است مشروط به انتقال یک کالا یا خدمت تعهد شده توسط واحد تجاری در یک دوره زمانی خاص باشد)؛ یا

ب: یک یا چند کالا یا خدمت متمایز تعهد شده در مجموعه ای از کالاها یا خدمات متمایز، اما نه تمام آنها، که طبق بند ۲۳(ب) بخشی از یک تعهد عملکردی منفرد را تشکیل میدهد (برای مثال ما به ازای تعهد شده بابت دومین سال یک قرارداد دو ساله ارائه خدمات نظافت، که بر مبنای تغییر در شاخص تورم افزایش خواهد یافت).

۸۶. واحد تجاری، در صورت احراز هر دو معیار زیر، باید کل مبلغ متغیر و (تغییرات بعدی در آن مبلغ) را به یک تعهد عملکردی یا به یک کالا یا خدمت متمایز که بخشی از یک تعهد عملکردی منفرد طبق بند ۲۳(ب) را تشکیل میدهد، تخصیص دهد:

الف: شرایط پرداخت متغیر، بطور مشخص به تلاش واحد تجاری برای ایفای تعهد عملکردی یا انتقال کالا یا خدمت متمایز (یا نتیجه مشخص حاصل از ایفای تعهد عملکردی یا انتقال کالا یا خدمت متمایز) مرتبط باشد؛ و

ب: هنگام در نظر گرفتن تمام تعهدات عملکردی و شرایط پرداخت موجود در قرارداد، تخصیص کل مبلغ متغیر ما به ازای یک کالا یا خدمت متمایز، با هدف تخصیص مندرج در بند ۷۴ سازگار باشد.

۸۷. برای تخصیص مبلغ باقیمانده قیمت معامله که معیارهای مندرج در بند ۸۶ را احراز نمیکنند، باید الزامات تخصیص مندرج در بندهای ۷۴ تا ۸۴ بکار گرفته شود.

### تغییر در قیمت معامله:

۸۸. قیمت معامله می‌تواند پس از آغاز قرارداد به دلایل مختلفی تغییر کند؛ مانند حل و فصل رویدادهای غیر قطعی یا سایر تغییرات در شرایط که موجب تغییر در مبلغ مابه ازایی میشود که واحد تجاری انتظار دارد در قبال کالاها یا خدمات تعهد شده، نسبت به آن محق باشد.

درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

۸۹. واحد تجاری باید هرگونه تغییر بعدی در قیمت معامله را بر مبنای تخصیص یکسان با مبنای زمان آغاز قرار داد، به تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد تخصیص دهد. در نتیجه، واحد تجاری نباید قیمت معامله را برای انعکاس تغییر در قیمت‌های فروش مستقل پس از آغاز قرارداد، مجدداً تخصیص دهد. مبالغ تخصیص یافته به یک تعهد عملکردی ایفا شده باید در دوره ای که قیمت معامله تغییر می کند، به عنوان درآمد عملیاتی یا کاهش درآمد عملیاتی شناسایی شود.

۹۰. واحد تجاری، تنها در صورت احراز معیارهای مندرج در بند ۸۶ در ارتباط با تخصیص ما به ازای متغیر، باید تغییر در قیمت معامله را بطور کامل به یک یا چند کالا یا خدمت متمایز تعهد شده در مجموعه ای از کالاها یا خدمات متمایز، اما نه به تمام آنها، که طبق بند ۲۳ (ب) بخشی از یک تعهد عملکردی منفرد را تشکیل می‌دهد، تخصیص دهد.

۹۱. واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را که ناشی از تعدیل قرارداد است، طبق بندهای ۱۹ تا ۲۲ به حساب منظور کند. با وجود این، برای تغییر در قیمت معامله که پس از تعدیل قرارداد ایجاد می‌شود، واحد تجاری باید بندهای ۸۸ تا ۹۰ را به منظور تخصیص تغییر در قیمت معامله، به یکی از شیوه‌های زیر، هر کدام که کاربرد داشته باشد، بکار گیرد:

**الف:** واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را در صورتی، و به میزانی، به تعهدات عملکردی مشخص شده در قرارداد قبل از تعدیل تخصیص دهد که تغییر در قیمت معامله، به مبلغ ما به ازای متغیر تعهد شده قبل از تعدیل، قابل انتساب باشد و تعدیل قرارداد، طبق بند ۲۲ (الف) به حساب منظور شود.

**ب:** در تمام موارد دیگر که تعدیل قرارداد طبق بند ۲۱ به عنوان قراردادی جداگانه در نظر گرفته نمی شود، واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را به تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد تعدیل شده (یعنی تعهدات عملکردی که بلافاصله پس از تعدیل قرارداد، ایفا نشده اند یا بخشی از آنها ایفا نشده است) تخصیص دهد.

**مخارج مختص دستیابی به قرارداد:**

۹۲. چنانچه واحد تجاری انتظار داشته باشد مخارج مختص دستیابی به قرارداد با مشتری را بازیافت کند، باید این مخارج را به عنوان دارایی شناسایی نماید.

۹۳. مخارج مختص دستیابی به قرارداد، به مخارجی اطلاق می‌شود که واحد تجاری بابت دستیابی به قرارداد با مشتری تحمل می کند و اگر قرارداد به دست نمی آید، این مخارج تحمل نمیشد (برای مثال، کمیسیون فروش).

۹۴. مخارج دستیابی به قرارداد که صرف نظر از اینکه قرارداد به دست آید یا خیر، تحمل می شود، باید در زمان وقوع به عنوان هزینه شناسایی گردد، مگر اینکه مخارج، مذکور صرف نظر از دستیابی به قرارداد، قابل احتساب به حساب مشتری باشد.

۹۵. به عنوان یک اقتضای عملی، واحد تجاری میتواند مخارج مختص دستیابی به قرارداد را در زمان وقوع به عنوان هزینه شناسایی کند، مشروط بر اینکه دوره استهلاك دارایی که واحد تجاری در صورت عدم بکارگیری این اقتضای عملی شناسایی می کرد، یک سال یا کمتر باشد.

**مخارج ایفای قرارداد:**

۹۶. اگر مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری، در دامنه کاربرد استاندارد دیگری (برای مثال، استاندارد حسابداری ۸ حسابداری موجودی مواد و کالا استاندارد حسابداری ۱۱ داراییهای ثابت مشهود یا استاندارد حسابداری ۱۷ داراییهای نامشهود) قرار نگیرد، واحد تجاری تنها در صورتی باید مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد را به عنوان دارایی شناسایی کند که مخارج مذکور تمام معیارهای زیر را احراز نماید:

**الف:** مخارج مزبور بطور مستقیم به یک قرارداد یا یک قرارداد مورد انتظار که واحد تجاری میتواند آن را بطور خاص تشخیص دهد، مرتبط باشد (برای مثال، مخارج مرتبط با خدماتی که به دلیل تمدید قرارداد موجود باید ارائه شود یا مخارج طراحی یک دارایی که قرار است طبق قراردادی مشخص که هنوز تأیید نشده است، انتقال یابد)؛

**ب:** مخارج مزبور، منابع واحد تجاری را که برای ایفای (یا تداوم ایفای) تعهدات عملکردی در آینده استفاده خواهد شد، افزایش دهد یا منابع جدیدی ایجاد کند؛ و

**پ:** انتظار رود مخارج مزبور بازیافت شود.

۹۷. در خصوص مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری که در دامنه کاربرد استاندارد دیگری قرار می‌گیرد، واحد تجاری باید این مخارج را طبق آن استانداردها به حساب منظور کند.

۹۸. مخارجی که بطور مستقیم به قرارداد (یا قرارداد مورد انتظار مشخص) مربوط میشود، شامل هر یک از موارد زیر است:

**الف:** دستمزد مستقیم (برای مثال، حقوق و دستمزد کارکنانی که خدمات تعهد شده را بطور مستقیم به مشتری ارائه می‌کنند)؛

**ب:** مواد مستقیم (برای مثال، مواد و ملزومات مصرف شده برای ارائه خدمات تعهد شده به مشتری)؛

**پ:** بطور مستقیم به قرارداد یا فعالیتهای قرارداد مربوط است (برای مثال، مخارج مدیریت و نظارت بر قرارداد، بیمه و استهلاک ابزار آلات، تجهیزات و داراییهای اجاره ای مورد استفاده برای ایفای قرارداد)؛

**ت:** مخارجی که طبق قرارداد، قابل احتساب به حساب مشتری است؛ و

**ث:** سایر مخارجی که تنها به دلیل وارد کردن یک شخص دیگر به قرارداد، تحمل می‌شود (برای مثال، پرداخت به پیمانکاران دست دوم).

۹۹. واحد تجاری باید مخارج زیر را در زمان وقوع، به عنوان هزینه شناسایی کند:

**الف:** مخارج عمومی و اداری (به استثنای مخارجی که طبق قرارداد قابل احتساب به حساب مشتری است، که در این مورد واحد تجاری باید مخارج مذکور را طبق بند ۹۸ ارزیابی کند)؛

**ب:** مخارج هدررفت مواد اولیه، نیروی کار یا سایر منابع به منظور ایفای قرارداد که در قیمت قرارداد منعکس نشده است؛

**پ:** مخارجی که به تعهدات عملکردی ایفا شده مندرج در قرارداد (یا تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد که بخشی از آن ایفا شده است) مرتبط میباشد (یعنی مخارج مرتبط با عملکرد گذشته)؛ و

**ت:** مخارجی که واحد تجاری نمی‌تواند تشخیص دهد مرتبط با تعهدات عملکردی ایفا نشده است یا مرتبط با تعهدات عملکردی ایفا شده (یا تعهدات عملکردی که بخشی از آن ایفا شده است).

### استهلاک و کاهش ارزش:

۱۰۰. دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶، باید بر مبنایی منظم که سازگار با انتقال کالاها یا خدمات به مشتری است و دارایی مزبور به آن کالاها یا خدمات مربوط میشود، مستهک گردد. دارایی ممکن است مرتبط با کالاها یا خدماتی باشد که قرار است طبق یک قرارداد مورد انتظار مشخص (طبق توصیف بند ۹۶ الف)) انتقال یابد.

۱۰۱ . چنانچه تغییر عمده ای در زمانبندی مورد انتظار واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری که دارایی به آن کالاها یا خدمات مربوط می شود واقع گردد، واحد تجاری باید برای انعکاس این تغییر استهلاک را به روز آوری کند. چنین تغییری باید طبق استاندارد حسابداری ۳۴، به عنوان تغییر در برآورد حسابداری در نظر گرفته شود.

۱۰۲ . واحد تجاری باید به میزان مازاد مبلغ دفتری دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶ نسبت به تفاوت الف و ب زیر، زیان کاهش ارزش در سود یا زیان دوره شناسایی کند:

الف: مبلغ مابه ازای باقیمانده ای که واحد تجاری انتظار دارد در قبال کالاها یا خدماتی که دارایی به آنها مرتبط است دریافت کند؛

ب: مخارجی که بطور مستقیم به ارائه کالاها یا خدمات مذکور مرتبط است و به عنوان هزینه شناسایی نشده است (به بند ۹۸ مراجعه شود).

۱۰۳ . برای مقاصد بکارگیری بند ۱۰۲، به منظور تعیین مبلغ ما به ازایی که واحد تجاری انتظار دارد دریافت کند، واحد تجاری باید الزامات تعیین قیمت معامله (به استثنای الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۵۹ در ارتباط با محدود کردن برآوردهای ما به ازای متغیر) را استفاده کند و مبلغ مذکور را جهت انعکاس آثار ریسک اعتباری مشتری تعدیل نماید.

۱۰۴ . قبل از اینکه واحد تجاری برای دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶، زیان کاهش ارزش شناسایی کند، باید برای داراییهای مرتبط با قرارداد که طبق سایر استانداردها (برای مثال استاندارد حسابداری ۸، استاندارد حسابداری ۱۱ و استاندارد حسابداری ۱۷) شناسایی می شوند، زیان کاهش ارزش را شناسایی کند. پس از بکارگیری آزمون کاهش ارزش مندرج در بند ۱۰۲، واحد تجاری باید مبلغ دفتری حاصل برای دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶ را در مبلغ دفتری واحد مولد نقدی منظور کند که برای مقاصد بکارگیری استاندارد حسابداری ۳۲ کاهش ارزش داراییها، دارایی به آن تعلق دارد.

۱۰۵ . چنانچه شرایط کاهش ارزش، دیگر وجود نداشته باشد یا بهبود یافته باشد، واحد تجاری باید برگشت تمام یا بخشی از زیان کاهش ارزش که قبلاً طبق بند ۱۰۲ شناسایی شده است را در سود یا زیان دوره شناسایی کند. افزایش در مبلغ دفتری دارایی نباید بیشتر از مبلغی باشد که در صورت عدم شناسایی زیان کاهش ارزش در گذشته، دارایی به آن مبلغ (به کسر استهلاک) تعیین می شد.

### نحوه ارائه:

۱۰۶ . در صورتی که یکی از طرفهای قرارداد تعهد خود را ایفا کرده باشد، واحد تجاری باید با توجه به رابطه بین عملکرد واحد تجاری و پرداخت مشتری، دارایی حاصل از قرارداد یا بدهی ناشی از قرارداد را در صورت وضعیت مالی ارائه کند واحد تجاری باید حق غیر مشروط نسبت به مابه ازای را بطور جداگانه به عنوان دریافتنی ارائه نماید.

۱۰۷ . اگر قبل از انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، مشتری تمام یا بخشی از مابه ازای را بپردازد واحد تجاری باید در زمان پرداخت بدهی ناشی از قرارداد، را شناسایی کند. بدهی ناشی از قرارداد تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری است که واحد تجاری، بابت آن از مشتری ما به ازای دریافت کرده است.

۱۰۸ . اگر واحد تجاری قبل از پرداخت ما به ازای توسط مشتری، کالاها یا خدمات را به مشتری انتقال دهد، باید دارایی حاصل از قرارداد را جدا از مبالغ ارائه شده به عنوان دریافتنی ارائه نماید دارایی حاصل از قرارداد، حق واحد تجاری

نسبت به ما به از ا در قبال کالاها یا خدماتی است که واحد تجاری به مشتری انتقال داده است واحد تجاری باید دارایی حاصل از قرارداد را بابت کاهش ارزش ارزیابی کند (به بند ۱۱۴ (ب) نیز مراجعه شود).

۱۰۹ . دریافتنی، حق غیر مشروط واحد تجاری نسبت به ما به از ا است. حق نسبت به ما به از ا، در صورتی غیر مشروط است که تنها گذشت زمان منجر به سررسید شدن پرداخت ما به از ا شود. برای مثال، واحد تجاری در صورتی یک دریافتنی شناسایی میکند که حق فعلی نسبت به دریافت یک مبلغ داشته باشد، حتی اگر امکان استرداد آن مبلغ در آینده وجود داشته باشد.

۱۱۰ . این استاندارد از اصطلاحات "دارایی حاصل از قرارداد" و "بدهی ناشی از قرارداد" استفاده می کند، اما مانع استفاده واحد تجاری از معادلهای جایگزین برای اقلام مذکور در صورت وضعیت مالی نمی شود. اگر واحد تجاری از یک معادل جایگزین برای دارایی ناشی از قرارداد استفاده کند، باید اطلاعات کافی برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی فراهم نماید تا آنها بتوانند بین دریافتنی ها و داراییهای حاصل از قرارداد تمایز قائل شوند.

#### افشا:

۱۱۱ . هدف الزامات افشا این است که واحد تجاری، اطلاعات کافی افشا کند تا استفاده کنندگان صورتهای مالی بتوانند ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان درآمد عملیاتی و جریانهای نقدی حاصل از قرارداد با مشتری را درک کنند برای دستیابی به هدف مذکور، واحد تجاری باید اطلاعات کمی و کیفی درباره تمام موارد زیر را افشا کند:

الف: قراردادهای واحد تجاری با مشتریان (به بندهای ۱۱۴ تا ۱۲۳ مراجعه شود)؛

ب: قضاوتهای عمده صورت گرفته در بکارگیری این استاندارد برای قراردادهای مذکور و تغییر در آن قضاوتها (به بندهای ۱۲۴ تا ۱۲۷ مراجعه شود)؛ و

پ: هر گونه دارایی شناسایی شده حاصل از مخارج دستیابی به قرارداد یا حاصل از ایفای قرارداد با مشتری طبق بند ۹۲ یا ۹۶ (به بندهای ۱۲۸ و ۱۲۹ مراجعه شود).

۱۱۲ . واحد تجاری باید سطح جزئیات مورد نیاز برای دستیابی به هدف افشا و میزان تأکید بر هر یک از الزامات مختلف را مورد توجه قرار دهد. واحد تجاری باید موارد افشا را به گونه ای جمع یا تفکیک کند که اطلاعات مفید، به دلیل افشای حجم زیادی از جزئیات بی اهمیت یا جمع اقلامی که اساساً ویژگیهای متفاوتی دارند، پنهان نماند.

۱۱۳ . چنانچه واحد تجاری اطلاعاتی را طبق استاندارد دیگری افشا کرده باشد، ضرورتی ندارد آن اطلاعات را طبق این استاندارد افشا کند.

#### قرارداد با مشتریان:

۱۱۴ . واحد تجاری باید تمام مبالغ زیر را برای دوره گزارشگری افشا کند، مگر اینکه مبالغ مذکور طبق سایر استانداردها بطور جداگانه در صورت سود و زیان ارائه شده باشد:

الف: درآمد عملیاتی شناسایی شده حاصل از قرارداد با مشتریان، که واحد تجاری باید آن را جدا از سایر منابع درآمد عملیاتی افشا کند؛ و



ب: زبان کاهش ارزش شناسایی شده در ارتباط با دریافتهای یا داراییهای حاصل از قرارداد با مشتریان، که واحد تجاری باید آن را جدا از زبانهای کاهش ارزش سایر قراردادها افشا کند.

### تفکیک درآمد عملیاتی:

۱۱۵. واحد تجاری باید درآمد عملیاتی شناسایی شده حاصل از قرارداد با مشتریان را به طبقاتی تفکیک کند که نحوه تأثیر پذیری ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان درآمد عملیاتی و جریانهای نقدی از عوامل اقتصادی را نشان دهد. واحد تجاری هنگام انتخاب طبقات مورد استفاده برای تفکیک درآمد عملیاتی، باید رهنمود مندرج در بندهای ب۹۳ تا ب۹۵ را بکار گیرد.

۱۱۶. افزون بر این، اگر واحد تجاری استاندارد حسابداری ۲۵ گزارشگری بر حسب قسمتهای مختلف را بکار گیرد، باید اطلاعات کافی افشا کند تا استفاده کنندگان صورتهای مالی بتوانند رابطه بین افشای درآمد عملیاتی تفکیک شده (طبق بند ۱۱۵) و اطلاعات درآمد عملیاتی افشاشده برای هر قسمت قابل گزارش را درک کنند.

### مانده حسابهای قرارداد:

۱۱۷. واحد تجاری باید تمام موارد زیر را افشا کند:

الف: مانده ابتدای دوره و پایان دوره دریافتهای، داراییهای حاصل از قرارداد با مشتریان و بدهیهای ناشی از قرارداد با مشتریان، چنانچه به گونه ای دیگر بطور جداگانه ارائه یا افشا نشده باشند؛  
ب: درآمد عملیاتی شناسایی شده در دوره گزارشگری که در مانده بدهی ناشی از قرارداد در ابتدای دوره منظور شده است؛ و  
پ: درآمد عملیاتی شناسایی شده در دوره گزارشگری که از ایفای تعهدات عملکردی (یا ایفای بخشی از تعهدات عملکردی) در دوره های قبل حاصل شده است (برای مثال، تغییر در قیمت معامله).

۱۱۸. واحد تجاری باید نحوه ارتباط زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی (به بند ۱۱۹ الف) مراجعه شود) با زمانبندی معمول پرداخت (به بند ۱۲۰ ب) مراجعه شود) و اثر این عوامل بر مانده داراییهای حاصل از قرارداد و بدهیهای ناشی از قرارداد را شرح دهد. در شرح ارائه شده ممکن است از اطلاعات کیفی استفاده شود.

۱۱۹. واحد تجاری باید شرحی از تغییرات عمده در مانده داراییهای حاصل از قرارداد و بدهیهای ناشی از قرارداد طی دوره گزارشگری را ارائه کند. این شرح باید شامل اطلاعات کمی و کیفی باشد. نمونه هایی از تغییر در مانده داراییهای حاصل از قرارداد و بدهیهای ناشی از قرارداد واحد تجاری، شامل موارد زیر است:

الف: تغییر به دلیل ترکیبهای تجاری؛

ب: تعدیل درآمد عملیاتی بر مبنای آثار انباشته تغییرات که بر دارایی متناظر حاصل از قرارداد با بدهی متناظر ناشی از قرارداد تأثیر می گذارد، شامل تعدیل ناشی از تغییر در میزان پیشرفت، تغییر در برآورد قیمت معامله (شامل تغییر در ارزیابی اینکه برآورد ما به ازای متغیر، محدود شده است یا خیر) یا تعدیل قرار داد؛

پ: کاهش ارزش دارایی ناشی از قرارداد؛

ت: تغییر در چارچوب زمانی حق نسبت به ما به ازای غیر مشروط شدن آن (یعنی برای تجدید طبقه بندی دارایی حاصل از قرارداد به دریافتهای)؛ و

ث: تغییر در چارچوب زمانی تعهد عملکردی که باید ایفا شود (یعنی برای شناسایی درآمد عملیاتی حاصل از بدهی ناشی از قرارداد).

### تعهدات عملکردی:

۱۲۰ . واحد تجاری باید اطلاعاتی درباره تعهدات عملکردی خود در قرارداد با مشتریان، که شامل شرح تمام موارد زیر است را افشا کند:

الف: اینکه واحد تجاری بطور معمول تعهدات عملکردی خود را در چه زمانی ایفا میکند (برای مثال، زمان بارگیری، زمان تحویل، در طول زمان ارائه خدمات یا در زمان تکمیل خدمت)، شامل زمان ایفای تعهدات عملکردی در توافقاتی فروش و نگهداری؛

ب: شرایط مهم پرداخت (برای مثال، زمانی که پرداخت بطور معمول سررسید میشود قرارداد جزء تأمین مالی با اهمیت دارد یا خیر، مبلغ ما به ازای متغیر است یا خیر و آیا برآورد ما به ازای متغیر طبق بندهای ۵۷ تا ۵۹، بطور معمول محدود شده است یا خیر)؛

پ: ماهیت کالاها یا خدماتی که واحد تجاری متعهد به انتقال آنها است، با تأکید بر تعهدات عملکردی برای فراهم کردن بستر انتقال کالاها یا خدمات به مشتری برای شخصی دیگر (یعنی اگر واحد تجاری به عنوان نماینده عمل می کند)؛

ت: تعهدات در قبال برگشت کالا، استرداد وجوه و سایر تعهدات مشابه؛ و

ث: انواع ضمانتها و تعهدات مرتبط

### قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی باقیمانده:

۱۲۱ . واحد تجاری باید اطلاعات زیر را درباره تعهدات عملکردی باقیمانده خود افشا کند:

الف: مجموع قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی که در پایان دوره گزارشگری ایفا نشده است (یا بخشی از آنها ایفا شده است)؛ و

ب: شرحی به یکی از شیوه های زیر در مورد زمانی که واحد تجاری انتظار دارد مبلغ افشاشده طبق بند ۱۲۱ (الف) را به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند:

- ۱) بر مبنای کمی با استفاده از مناسبترین بازه های زمانی برای مدت زمان تعهدات عملکردی باقیمانده؛ یا
- ۲) با استفاده از اطلاعات کیفی

۱۲۲ . به عنوان یک اقتضای عملی، در صورت احراز هر یک از شرایط زیر، واحد تجاری الزامی برای افشای اطلاعات مندرج در بند ۱۲۱ درباره یک تعهد عملکردی ندارد:

الف: تعهد عملکردی بخشی از قراردادی باشد که مدت زمان اولیه مورد انتظار آن یکسال یا کمتر است؛ یا

ب: واحد تجاری درآمد عملیاتی حاصل از ایفای تعهد عملکردی را طبق بند ب ۱۶ شناسایی کند.

۱۲۳ . واحد تجاری باید به صورت کیفی توضیح دهد که آیا اقتضای عملی مندرج در بند ۱۲۲ را بکار گرفته است و آیا ما به ازای حاصل از قرارداد با مشتریان وجود دارد که در قیمت معامله منظور نشده باشد و، بنابراین، در اطلاعات افشا شده طبق بند ۱۲۱ درج نشده باشد یا خیر. برای مثال، برآورد قیمت معامله شامل مبلغ برآوردی ما به ازای متغیر محدود شده، نباشد (به بندهای ۵۷ تا ۵۹ مراجعه شود).

### قضاوت‌های عمده صورت گرفته در بکارگیری این استاندارد:

۱۲۴ . واحد تجاری باید قضاوت‌های صورت گرفته در بکارگیری این استاندارد و تغییر در آن قضاوتها که بطور عمده بر تعیین مبلغ و زمانبندی درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان تأثیر میگذارد را افشا کند. بطور خاص، واحد تجاری باید قضاوت‌های استفاده شده برای تعیین دو مورد زیر و تغییر در آن قضاوتها را شرح دهد:

الف: زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی (به بندهای ۱۲۵ و ۱۲۶ مراجعه شود)؛ و

ب: قیمت معامله و مبلغ تخصیص یافته به تعهدات عملکردی (به بند ۱۲۷ مراجعه شود).

### تعیین زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی:

۱۲۵ . در ارتباط با تعهدات عملکردی ایفا شده در طول زمان، واحد تجاری باید هر دو مورد زیر را افشا کند:  
الف: روشهای استفاده شده برای شناسایی درآمد عملیاتی (برای مثال، شرحی از روشهای مبتنی بر خروجی یا مبتنی بر ورودی استفاده شده و نحوه بکارگیری این روشها)؛ و  
ب: شرح اینکه چرا روشهای استفاده شده، بیان صادقانه ای از انتقال کالاها یا خدمات فراهم می کند.

۱۲۶ . در ارتباط با تعهدات عملکردی ایفا شده در نقطه ای از زمان، واحد تجاری باید قضاوتهای عمده صورت گرفته برای ارزیابی زمان دستیابی مشتری به کنترل کالاها یا خدمات تعهد شده را افشا کند.

### تعیین قیمت معامله و مبالغ تخصیص یافته به تعهدات عملکردی:

۱۲۷ . واحد تجاری باید اطلاعاتی درباره روشها و مفروضات استفاده شده برای تمام موارد زیر را افشا کند:  
الف: تعیین قیمت معامله، که شامل برآورد ما به ازای متغیر، تعدیل ما به ازای بابت آثار ارزش زمانی پول و اندازه گیری ما به ازای غیر نقدی است، اما محدود به این موارد نیست؛  
ب: ارزیابی اینکه برآورد ما به ازای متغیر، محدود شده است یا خیر؛  
پ: تخصیص قیمت معامله، شامل برآورد قیمتهای فروش مستقل کالاها یا خدمات تعهد شده و تخصیص تخفیفات و مابه ازای متغیر به بخش معینی از قرارداد در صورت وجود؛ و  
ت: اندازه گیری تعهدات بابت برگشت کالا، استرداد وجوه و سایر تعهدات مشابه.

### داراییهای شناسایی شده حاصل از مخارج دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج ایفای قرارداد با مشتری:

۱۲۸ . واحد تجاری باید هر دو مورد زیر را شرح دهد:  
الف: قضاوتهای صورت گرفته برای تعیین مبلغ مخارج تحمل شده برای دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج ایفای قرارداد با مشتری (طبق بند ۹۲ یا ۹۶)؛ و  
ب: روش مورد استفاده برای تعیین استهلاك برای هر دوره گزارشگری

۱۲۹ . واحد تجاری باید تمام موارد زیر را افشا کند:  
الف: مانده پایان دوره داراییهای شناسایی شده حاصل از مخارج تحمل شده برای دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری (طبق بند ۹۲ یا ۹۶)، بر اساس طبقه اصلی دارایی (برای مثال، مخارج دستیابی به قرارداد با مشتریان، مخارج قبل از قرارداد و مخارج تنظیم قرارداد)؛ و  
ب: مبلغ استهلاك و زبان کاهش ارزش شناسایی شده در دوره گزارشگری

### اقتضاهای عملی:

۱۳۰ . چنانچه واحد تجاری تصمیم بگیرد از اقتضای عملی مندرج در بند ۶۴ (درباره وجود جزء تأمین مالی با اهمیت) یا بند ۹۵ (درباره مخارج مختص دستیابی به قرارداد) استفاده کند، باید این موضوع را افشا نماید.

### کنار گذاری سایر استانداردها:

۱۳۱ . این استاندارد جایگزین استانداردهای زیر میشود:  
الف: استاندارد حسابداری ۳ درآمد عملیاتی

ب: استاندارد حسابداری ۹ حسابداری پیمانهای بلندمدت  
پ: استاندارد حسابداری ۲۹ فعالیت‌های ساخت املاک

### تاریخ اجرا:

۱۳۲. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۴۰۳/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم الاجراست.

۱۳۳. استاندارد حسابداری ۴۳، تصویب شده ۱۴۰۲، منجر به اصلاحاتی در استانداردهای حسابداری ۱ ارائه صورتهای مالی، ۴ ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی ۸ حسابداری موجودی مواد و کالا، ۱۱ داراییهای ثابت مشهود، ۱۷ داراییهای نامشهود، ۲۲ گزارشگری مالی میان دوره ای، ۳۲ کاهش ارزش داراییها، ۳۵ مالیات بر درآمد، ۳۶ ابزارهای مالی: ارائه، ۳۷ ابزارهای مالی: افشا و ۳۸ ترکیبهای تجاری شد.

### مطابقت با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی:

۱۳۴. با اجرای الزامات این استاندارد به جز بند ۱۰۷، مفاد استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۱۵ درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان (ویرایش ۲۰۱۸) نیز رعایت میشود. طبق استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۱۵، اگر قبل از انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، مشتری ما به ازای آن را بپردازد یا واحد تجاری نسبت به مبلغی از ما به ازای حق غیر مشروط (یعنی دریافتنی) داشته باشد، واحد تجاری باید در زمان پرداخت یا در زمان سررسید پرداخت (هر کدام که زودتر باشد) بدهی ناشی از قرارداد را ارائه کند.

### پیوست الف

#### اصطلاحات تعریف شده

این پیوست بخش جدانشدنی این استاندارد است.

#### بدهی ناشی از قرارداد

تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، که واحد تجاری بابت آن از مشتری ما به ازای دریافت کرده است (از جمله پیش دریافت یا مازاد کار گواهی شده).

### تعهد عملکردی

تعهد در قرارداد با مشتری برای انتقال هر یک از موارد زیر به مشتری:  
الف: یک کالا یا خدمت (یا بسته ای از کالاها و خدمات) که متمایز است؛ یا  
ب: یک مجموعه از کالاها یا خدمات متمایز که تا حد زیادی یکسان هستند و الگوی انتقال آنها به مشتری یکسان است.

### دارایی حاصل از قرارداد

حق واحد تجاری نسبت به مابه از ا در قبال کالاها یا خدماتی است که واحد تجاری به مشتری انتقال داده است، هنگامی که آن حق، مشروط به چیزی غیر از گذشت زمان (برای مثال، عملکرد آتی واحد تجاری) باشد (از جمله مبلغ قابل بازیافت).

### درآمد

افزایش در منافع اقتصادی طی دوره حسابداری به شکل جریانهای ورودی یا افزایش داراییها یا کاهش بدهیها که منجر به افزایش در حقوق مالکانه می شود؛ به غیر از موارد مرتبط با مبادلات با دارندگان حقوق مالکانه

### درآمد عملیاتی

درآمد کسب شده در روال فعالیتهای عادی که مربوط به فعالیتهای اصلی و مستمر واحد تجاری است.

### قرارداد

توافق بین دو یا چند شخص که حقوق و تعهدات الزام آور ایجاد می کند.

### قیمت فروش مستقل (کالا یا خدمت)

قیمتی که واحد تجاری یک کالا یا خدمت تعهد شده را بطور جداگانه به آن قیمت به یک مشتری می فروشد.

### قیمت معامله (در قرارداد با مشتری)

مبلغ ما به ازایی که واحد تجاری انتظار دارد در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهد شده به مشتری، نسبت به آن محق باشد، به استثنای مبالغی که به نمایندگی از اشخاص ثالث وصول می شود.

### مشتری

شخصی که در قبال پرداخت ما به ازای برای دستیابی به کالاها یا خدماتی که خروجی فعالیتهای عادی واحد تجاری است، با واحد تجاری قرارداد منعقد کرده است.

### پیوست ب

### رهنمود بکارگیری

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد حسابداری است. در این پیوست کاربرد بندهای ۱ تا ۱۳۰ تشریح میشود و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم الاجرا است.

ب ۱: این رهنمود بکارگیری در سر فصلهای زیر سازماندهی شده است:

الف: تعهدات عملکردی ایفا شده در طول زمان (بندهای ب ۲ تا ب ۱۳)؛

- ب:** روشهای اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی (بندهای ب ۱۴ تا ب ۱۹)؛  
**پ:** فروش با حق برگشت (بندهای ب ۲۰ تا ب ۳۷)؛  
**ت:** ضمانتها (بندهای ب ۲۸ تا ب ۳۳)؛  
**ث:** ملاحظات مربوط به اصیل در مقابل ملاحظات مربوط به نماینده (بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲)؛  
**ج:** اختیار مشتری برای تحصیل کالاها یا خدمات اضافی (بندهای ب ۴۳ تا ب ۴۷)؛  
**چ:** حق اعمال نشده توسط مشتری (بندهای ب ۴۸ تا ب ۵۱)  
**ح:** حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد و برخی مخارج مرتبط (بندهای ب ۵۲ تا ب ۵۵)؛  
**خ:** اعطای مجوز (بندهای ب ۵۶ تا ب ۶۹)؛  
**د:** توافقات بازخرید بندهای ب ۷۰ تا ب ۸۲)؛  
**ذ:** توافقات حق عملکردی (بندهای ب ۸۳ تا ب ۸۴)؛  
**ر:** توافقات فروش و نگهداری (بندهای ب ۸۵ تا ب ۸۸)؛  
**ز:** پذیرش توسط مشتری (بندهای ب ۸۹ تا ب ۹۲)؛ و  
**ژ:** افشای درآمد عملیاتی به تفکیک طبقات (بندهای ب ۹۳ تا ب ۹۵).

### تعهدات عملکردی ایفا شده در طول زمان

**۲:** طبق بند ۳۶، در صورت احراز یکی از معیارهای زیر، تعهد عملکردی در طول زمان ایفا می شود:

**الف:** مشتری، در طول زمان ایفای تعهد عملکردی توسط واحد تجاری، منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف کند (به بندهای ب ۳ تا ب ۴ مراجعه شود)؛

**ب:** عملکرد واحد تجاری، یک دارایی (برای مثال کار در جریان پیشرفت) را ایجاد کند یا توسعه دهد که مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل کند (به بند ب ۵ مراجعه شود)؛

**پ:** یا عملکرد واحد تجاری، یک دارایی با کاربرد جایگزین برای واحد تجاری ایجاد نکند (به بندهای ب ۶ تا ب ۸ مراجعه شود) و واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق الزام آور داشته باشد (به بندهای ب ۹ تا ب ۱۳ مراجعه شود).

### دریافت و مصرف همزمان منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری (بند ۳۶ الف))

**۳:** در برخی از انواع تعهدات عملکردی، ارزیابی اینکه مشتری منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری را در طول زمان ایفای تعهد توسط واحد تجاری دریافت میکند و همزمان با دریافت منافع مذکور آنها را مصرف می نماید، ساده است. از جمله این موارد، خدمات روزمره یا تکرار شونده (نظیر خدمت نظافت) است که در آن، دریافت و مصرف همزمان منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری توسط مشتری، به سادگی قابل تشخیص است.

**۴:** در برخی دیگر از تعهدات، عملکردی واحد تجاری ممکن است نتواند به سادگی تشخیص دهد که مشتری در طول زمان ایفای تعهد توسط واحد تجاری، منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف میکند یا خیر. در این شرایط، تعهد عملکردی واحد تجاری در صورتی در طول زمان ایفا شده است که واحد تجاری تشخیص دهد اگر واحد تجاری دیگری بخواهد تعهد عملکردی باقیمانده را برای مشتری ایفا کند، لازم نیست بخش عمده کار تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را مجدداً انجام دهد. برای تعیین اینکه ضرورت ندارد واحد تجاری دیگر بخش عمده کار تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را مجدداً انجام دهد، واحد تجاری باید هر دو فرض زیر را در نظر بگیرد:

**الف:** قیود قراردادی بالقوه یا محدودیتهای عملی که به شیوه های دیگر مانع واحد تجاری از انتقال تعهد عملکردی باقیمانده به واحد تجاری دیگر می شود را نادیده بگیرد؛ و  
**ب:** فرض کند واحد تجاری دیگری که باقیمانده تعهد عملکردی را ایفا می کند، از دارایی که در حال حاضر در کنترل واحد تجاری است و در صورت انتقال تعهد عملکردی به واحد تجاری دیگر، همچنان در کنترل واحد تجاری باقی می ماند، منافعی نخواهد داشت.

### مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی آن را کنترل کند (بند ۳۶(ب))

**ب۵:** برای تعیین اینکه طبق بند (۳۶)، مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل میکند یا خیر، واحد تجاری باید الزامات کنترل طبق بندهای ۳۲ تا ۳۵ و ۳۹ را بکار گیرد. دارایی ایجاد شده یا توسعه یافته (برای مثال، کار در جریان پیشرفت)، می تواند مشهود یا نامشهود باشد.

### عملکرد واحد تجاری یک دارایی با کاربرد جایگزین ایجاد نکند (بند ۳۶(پ))

**ب۶:** در ارزیابی اینکه طبق بند (۳۶)، یک دارایی کاربرد جایگزین برای واحد تجاری دارد یا خیر، واحد تجاری باید آثار قیود قراردادی و محدودیتهای عملی بر توانایی واحد تجاری برای هدایت آسان آن دارایی جهت استفاده ای دیگر، مانند فروش آن به مشتری دیگر را کند. امکان خاتمه دادن قرارداد با مشتری، در ارزیابی اینکه واحد تجاری میتواند به سهولت دارایی را برای استفاده ای دیگر بررسی هدایت کند یا خیر، موضوعی مربوط تلقی نمی شود.

**ب۷:** قید قراردادی بر توانایی واحد تجاری برای هدایت یک دارایی جهت استفاده ای دیگر، در مورد دارایی که کاربرد جایگزین برای واحد تجاری ندارد باید ماهوی باشد. قید قراردادی در صورتی ماهوی است که اگر واحد تجاری در صدد هدایت دارایی جهت استفاده ای دیگر برآید، مشتری بتواند حق خود نسبت به دارایی تعهد شده را اعمال کند. در مقابل، قید قراردادی در صورتی ماهوی نیست که برای مثال، یک دارایی تا حد زیادی قابل معاوضه با داراییهای دیگری باشد که واحد تجاری می تواند آنها را بدون نقض قرارداد و بدون تحمل مخارج عمده که در غیر این صورت در ارتباط با قرارداد تحمل نمی شد، به مشتری دیگری منتقل کند.

**ب۸:** اگر واحد تجاری برای هدایت دارایی جهت استفاده ای دیگر، زبانهای عمده ای تحمل کند، محدودیت عملی بر توانایی واحد تجاری برای هدایت آن دارایی جهت استفاده ای دیگر وجود دارد. زبان عمده ممکن است به این دلیل ایجاد شود که واحد تجاری مخارج عمده ای برای کار مجدد روی دارایی متحمل میشود یا تنها میتواند دارایی را با زبانی عمده به فروش رساند برای مثال، واحد تجاری ممکن است برای هدایت مجدد داراییهایی که مشخصات طراحی آنها تنها مختص یک مشتری است یا در مناطق دور افتاده قرار گرفته اند، در عمل با محدودیت مواجه شود.

### حق نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ (بند ۳۶(پ))

**ب۹:** طبق بند ۳۸، چنانچه واحد تجاری حداقل بابت جبران عملکرد تکمیل شده توسط واحد تجاری تا تاریخی که مشتری یا شخص دیگری قرارداد را به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهد توسط واحد تجاری خاتمه داده باشد، نسبت به دریافت مبلغی محق باشد، واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ حق دارد مبلغی که عملکرد تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را جبران میکند تقریبی از قیمت فروش کالاها یا خدمات انتقال یافته تا آن تاریخ است (برای مثال، بازیافت مخارج تحمل شده توسط واحد تجاری برای ایفای تعهد عملکردی به اضافه سود معقول)، نه مبلغی که صرفاً کاهش بالقوه در سود را در صورت خاتمه دادن قرارداد جبران می کند. ضرورتی ندارد جبران سود معقول با سود مورد انتظار در صورت ایفای قرارداد طبق تعهد، برابر باشد؛ اما واحد تجاری باید نسبت به جبران یکی از مبالغ زیر محق باشد:

**الف:** نسبتی از سود مورد انتظار در قرارداد که بطور معقول میزان عملکرد واحد تجاری طبق قرارداد را قبل از خاتمه آن توسط مشتری (یا شخص دیگر)، منعکس می کند؛ یا  
**ب:** اگر سود قرارداد بیشتر از بازده ای باشد که واحد تجاری بطور معمول از قراردادهای مشابه به دست می آورد، بازده معقولی نسبت به مخارج انجام شده توسط واحد تجاری برای قراردادهای مشابه (یا سود عملیاتی معمول واحد تجاری برای قراردادهای مشابه).

**ب ۱۰:** حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، ضرورت ندارد یک حق فعلی غیر مشروط نسبت به پرداخت باشد. در موارد بسیاری، واحد تجاری تنها در مقاطع مورد توافق یا در صورت ایفای کامل تعهد عملکردی، حق غیر مشروط نسبت به پرداخت مشتری دارد. واحد تجاری در ارزیابی اینکه نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ محق است یا خیر، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهد که اگر قرارداد قبل از تکمیل به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهد توسط واحد تجاری خاتمه می یافت، آیا واحد تجاری حق الزام آور برای مطالبه یا از دست ندادن پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ را می داشت یا خیر.

**ب ۱۱:** مشتری ممکن است در برخی قراردادهای، حق خاتمه دادن به قرارداد را تنها در زمانهای معینی در طول مدت قرارداد داشته باشد یا مشتری ممکن است هیچ حقی برای خاتمه دادن به قرارداد نداشته باشد. چنانچه مشتری قرارداد را خاتمه دهد، بدون آنکه حق خاتمه دادن به آن قرارداد را در آن زمان داشته باشد (شامل زمانی که مشتری تعهدات خود را طبق قرارداد ایفا نکند)، قرارداد (یا قوانین دیگر) ممکن است واحد تجاری را محق بداند کالاها یا خدمات تعهد شده مندرج در قرارداد را همچنان به مشتری انتقال دهد و مشتری را ملزم کند ما به ازای تعهد شده در قبال کالاها یا خدمات مذکور را پرداخت نماید. در این شرایط، واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ محق است زیرا واحد تجاری حق دارد ایفای تعهدات خود را طبق قرارداد ادامه دهد و مشتری را ملزم کند تعهدات خود (شامل پرداخت ما به ازای تعهد شده) را ایفا نماید.

**ب ۱۲:** واحد تجاری در ارزیابی وجود و الزام آور بودن حق نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، باید شرایط قراردادی و همچنین قانون یا رویه قانونی که میتواند مکمل یا ابطال کننده آن شرایط قراردادی باشد را مدنظر قرار دهد. این موضوع، شامل ارزیابی این است که آیا:

**الف:** قانون، مقررات یا رویه حقوقی، به واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق اعطا می کند حتی اگر آن حق، در قرارداد با مشتری تصریح نشده باشد؛  
**ب:** رویه حقوقی مربوط نشان میدهد که حق مشابه نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ در قراردادهای مشابه، اثر قانونی الزام آور ندارد؛ یا

**پ:** رویه های مرسوم تجاری واحد تجاری مبنی بر عدم اعمال حق نسبت به پرداخت مشتری، منجر به این شده است که حق اعطا شده در آن محیط حقوقی، الزام آور نباشد. با وجود این، علیرغم اینکه واحد تجاری ممکن است تصمیم بگیرد از حق خود نسبت به پرداخت مشتری در قراردادهای مشابه صرف نظر کند، اگر در قرارداد با مشتری، حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تا آن تاریخ الزام آور باشد، آن واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری تا آن تاریخ، محق است.

**ب ۱۳:** جدول زمانبندی پرداخت که در قرارداد مشخص شده است، الزاماً نشان دهنده این نیست که واحد تجاری حق الزام آور نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ دارد اگرچه جدول زمانبندی پرداخت مندرج در قرارداد، زمانبندی و مبلغ ما به ازای قابل پرداخت توسط مشتری را مشخص می کند، اما لزوماً شواهدی در ارتباط با حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ فراهم نمی کند. دلیل این



امر آن است که برای مثال، طبق قرارداد ممکن است ما به ازای دریافت شده از مشتری، به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهدات مندرج در قرارداد، قابل استرداد باشد.

### روشهای اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی

۱۴: روشهای اندازه گیری پیشرفت واحد تجاری در ایفای کامل تعهد عملکردی که طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸ در طول زمان ایفا می شود، شامل موارد زیر است:  
الف: روشهای مبتنی بر خروجی (به بندهای ب ۱۵ تا ب ۱۷ مراجعه شود)؛ و  
ب: روشهای مبتنی بر ورودی (به بندهای ب ۱۸ تا ب ۱۹ مراجعه شود).

### روشهای مبتنی بر خروجی

ب ۱۵: طبق روشهای مبتنی بر خروجی، درآمد عملیاتی بر مبنای اندازه گیریهای مستقیم ارزش کالاها یا خدمات انتقال یافته به مشتری تا آن تاریخ در مقایسه با ارزش کالاها یا خدمات تعهد شده باقیمانده طبق قرارداد، شناسایی می شود. روشهای مبتنی بر خروجی شامل روشهایی نظیر بررسی عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، ارزیابی نتایج به دست آمده، دستیابی به مقاطع مشخص، زمان سپری شده و واحدهای تولید شده یا واحدهای تحویل داده شده است. واحد تجاری هنگام ارزیابی روش مبتنی بر خروجی برای اندازه گیری پیشرفت خود، باید در نظر داشته باشد که آیا خروجی انتخاب شده، تصویر صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری برای ایفای کامل تعهد عملکردی منعکس میکند یا خیر. روش مبتنی بر خروجی، در صورتی که خروجی انتخاب شده قابلیت اندازه گیری برخی کالاها یا خدماتی که کنترل آنها به مشتری منتقل شده است را نداشته باشد، تصویر صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری نشان نمیدهد. برای مثال، اگر در پایان دوره گزارشگری، عملکرد واحد تجاری منجر به تولید کار در جریان پیشرفت یا کالاهای تکمیل شده ای شود که در کنترل مشتری است و در اندازه گیری خروجی در نظر گرفته نشود، روشهای مبتنی بر خروجی بر مبنای واحدهای تولید شده یا واحدهای تحویل شده، تصویر صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری برای ایفای تعهد عملکردی نشان نمیدهند.

ب ۱۶: به عنوان یک اقتضای عملی، اگر واحد تجاری حق دریافت ما به ازایی را از مشتری داشته باشد که مبلغ آن بطور مستقیم با ارزش عملکرد تکمیل شده برای مشتری توسط واحد تجاری تا آن تاریخ ارتباط دارد (برای مثال، یک قرارداد ارائه خدمات که واحد تجاری مبلغ ثابتی را به ازای هر ساعت خدمت ارائه شده صورتحساب میکند)، واحد تجاری ممکن است در آمد عملیاتی را به مبلغی شناسایی کند که حق صورتحساب کردن آن را دارد.

ب ۱۷: معایب روشهای مبتنی بر خروجی این است که خروجیهای استفاده شده برای اندازه گیری پیشرفت، ممکن است بطور مستقیم قابل مشاهده نباشند و اطلاعات مورد نیاز برای بکارگیری آنها بدون صرف مخارج زیاد در دسترس واحد تجاری نباشد. بنابراین، ممکن است استفاده از یک روش مبتنی بر ورودی ضروری باشد.

### روشهای مبتنی بر ورودی

ب ۱۸: طبق روشهای مبتنی بر ورودی، درآمد عملیاتی بر مبنای تلاشها یا ورودیهای واحد تجاری (برای مثال، منابع مصرف شده، ساعات کار صرف شده مخارج تحمل شده، زمان سپری شده یا ساعات کارکرد ماشین آلات) برای ایفای تعهد عملکردی در مقایسه با کل ورودیهای مورد انتظار برای ایفای آن تعهد عملکردی، شناسایی میشود. اگر تلاشها یا ورودیهای واحد تجاری، در طول دوره ایفای تعهد بطور یکنواخت مصرف شود، ممکن است شناسایی درآمد عملیاتی بر مبنای خط مستقیم برای واحد تجاری مناسب باشد.

ب ۱۹: نقطه ضعف روشهای مبتنی بر ورودی این است که بین ورودیهای واحد تجاری و انتقال کنترل کالاها یا خدمات به مشتری، ممکن است رابطه مستقیم وجود نداشته باشد. بنابراین، واحد تجاری باید در راستای هدف از اندازه گیری پیشرفت طبق بند ۴۰، آثار هر یک از ورودیها را که نشان دهنده عملکرد واحد تجاری در انتقال کنترل کالاها یا خدمات به مشتری نیست، در روش مبتنی بر ورودی در نظر نگیرد. برای مثال، هنگام استفاده از روش مبتنی بر مخارج تحمل شده، در شرایط زیر ممکن است تعدیل معیار پیشرفت ضرورت داشته باشد:

الف: هنگامی که مخارج تحمل شده، به پیشرفت واحد تجاری در ایفای تعهد عملکردی کمک نکرده باشد. برای مثال، واحد تجاری درآمدهای عملیاتی را بر مبنای مخارجی شناسایی نمی کند که به دلیل ناکارآمدی عمده در عملکرد تحمل کرده و در قیمت قرارداد لحاظ نشده است (برای مثال، مخارج هدر رفت مواد اولیه نیروی کار یا سایر منابع که برای ایفای تعهد عملکردی تحمل شده است).

ب: هنگامی که مخارج تحمل شده متناسب با پیشرفت واحد تجاری در ایفای تعهد عملکردی نباشد. در چنین شرایطی، بهترین بیان از عملکرد واحد تجاری ممکن است تعدیل روش مبتنی بر ورودی به منظور شناسایی درآمدهای عملیاتی تنها تا میزان مخارج تحمل شده باشد. برای مثال، اگر واحد تجاری در آغاز قرارداد انتظار داشته باشد که تمام شرطهای زیر احراز شود، شناسایی درآمدهای عملیاتی به مبلغی برابر با بهای تمام شده کالای استفاده شده برای ایفای تعهد عملکردی، بیان صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری است:

۱) کالا متمایز نباشد؛

۲) مشتری انتظار داشته باشد کنترل کالا را اساساً قبل از دریافت خدمات مرتبط با کالا به دست آورد؛

۳) بهای تمام شده کالای انتقال یافته در مقایسه با کل مخارج مورد انتظار برای ایفای کامل تعهد عملکردی، عمده باشد؛ و  
۴) واحد تجاری کالا را از شخص ثالثی تأمین کرده باشد و در طراحی و تولید آن کالا، نقش عمده ای نداشته باشد (اما واحد تجاری طبق بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲ به عنوان اصیل عمل کند).

### فروش با حق برگشت

ب ۲۰: در برخی قراردادها، واحد تجاری کنترل محصول را به مشتری منتقل می کند و حق برگشت آن محصول به دلایل مختلف (نظیر نارضایتی از محصول) و دریافت ترکیبی از موارد زیر را به مشتری اعطا می نماید:

الف: استرداد تمام یا بخشی از ما به ازای پرداخت شده؛

ب: اعتباری که در مقابل مبلغ بدهی واحد تجاری یا مبالغی که به بدهی واحد تجاری تبدیل خواهد شد، قابل اعمال باشد؛

پ: معاوضه با محصولی دیگر.

ب ۲۱: برای به حساب منظور کردن انتقال محصولات با حق برگشت (و برای برخی خدماتی که دارای شرط استرداد وجوه است)، واحد تجاری باید تمام موارد زیر را شناسایی کند:

الف: درآمدهای عملیاتی بابت محصولات انتقال یافته به مبلغ ما به ازایی که واحد تجاری انتظار دارد نسبت به آن محق باشد (بنابراین، درآمدهای عملیاتی بابت محصولاتی که انتظار می رود برگشت داده شوند، شناسایی نمیشود)؛

ب: بدهی استرداد؛ و

پ: یک دارایی (و تعدیل متناظر در بهای تمام شده فروش) بابت حق دریافت مجدد محصولات از مشتریان در هنگام تسویه بدهی استرداد.

ب ۲۲: تعهد واحد تجاری به آمادگی جهت پذیرفتن محصول برگشت شده طی دوره برگشت، نباید به عنوان یک تعهد عملکردی افزون بر تعهد به استرداد در نظر گرفته شود.

درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

ب۲۳: واحد تجاری برای تعیین مبلغ ما به ازایی که انتظار دارد نسبت به آن محق باشد (یعنی در نظر نگرفتن محصولاتی که انتظار می رود برگشت داده شوند)، باید الزامات بندهای ۴۸ تا ۷۳ (شامل الزامات محدود کردن برآوردهای ما به ازای متغیر طبق بندهای ۵۷ تا ۵۹) را بکار گیرد. واحد تجاری در ارتباط با مبالغ دریافتی یا دریافتنی که انتظار ندارد نسبت به آن محق باشد، نباید درآمد عملیاتی را در زمان انتقال محصولات به مشتری شناسایی کند بلکه باید آن مبالغ دریافتی یا دریافتنی را به عنوان بدهی استرداد شناسایی کند. پس از آن، در پایان هر دوره گزارشگری، واحد تجاری باید ارزیابی خود از مبالغی که انتظار دارد در قبال محصولات انتقال یافته، نسبت به آن محق باشد را به روز آوری کند و متناظر با آن قیمت معامله، و در نتیجه، مبلغ درآمد عملیاتی شناسایی شده را تغییر دهد.

ب۲۴: واحد تجاری باید اندازه گیری بدهی استرداد را در پایان هر دوره گزارشگری بابت تغییر در انتظارات درباره مبلغ استرداد به روز آوری کند. واحد تجاری باید تعدیلات متناظر را به عنوان درآمد عملیاتی (یا کاهش درآمد عملیاتی) شناسایی کند.

ب۲۵: دارایی شناسایی شده بابت حق واحد تجاری نسبت به دریافت مجدد محصولات از مشتری هنگام تسویه بدهی استرداد، باید در ابتدا، با مراجعه به مبلغ دفتری قبلی محصول (برای مثال، موجودیها) پس از کسر هر گونه مخارج مورد انتظار برای دریافت مجدد آن محصولات (شامل کاهش بالقوه در ارزش محصولات برگشتی واحد تجاری اندازه گیری شود). در پایان هر دوره گزارشگری، واحد تجاری باید اندازه گیری دارایی حاصل از تغییر در انتظارات درباره محصولاتی که برگشت داده می شود را به روز آوری کند. واحد تجاری باید دارایی را جدا از بدهی استرداد ارائه نماید.

ب۲۶: معاوضه یک محصول با محصول دیگری از همان نوع، کیفیت، شرایط و قیمت (برای مثال محصول دیگر با همان رنگ یا اندازه) توسط مشتری، برای مقاصد بکارگیری این استاندارد، به عنوان برگشت در نظر گرفته نمی شود.

ب۲۷: قراردادهایی که طبق آنها مشتری ممکن است محصول معیوبی را در معاوضه با محصول سالم برگشت دهد، باید طبق رهنمود مرتبط با ضمانتها در بندهای ب ۲۸ تا ب ۳۳، ارزیابی شود.

### ضمانتها

ب۲۸: ارائه ضمانت (طبق قرارداد، قانون یا رویه های مرسوم تجاری واحد تجاری) توسط واحد تجاری هنگام فروش یک محصول (کالا یا خدمت) امری عادی است. ماهیت ضمانت در صنایع و قراردادها میتواند تفاوت قابل ملاحظه ای داشته باشد. برخی ضمانتها به مشتری اطمینان میدهد که کار کرد محصول مربوط، طبق خواست طرفین است، زیرا با ویژگیهای توافق شده مطابقت دارد. سایر ضمانتها، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی را به مشتری ارائه می کند.

ب۲۹: اگر مشتری اختیار خرید جداگانه یک ضمانت را داشته باشد (برای مثال، به این علت که ضمانت، جداگانه قیمت گذاری شده یا مورد مذاکره قرار گرفته است) آن ضمانت، خدمت متمایز است، زیرا واحد تجاری متعهد است افزون بر محصولی با قابلیت توصیف شده در قرارداد، این خدمت را برای مشتری ارائه کند در این شرایط، واحد تجاری باید ضمانت تعهد شده را به عنوان یک تعهد عملکردی طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱ در نظر بگیرد و بخشی از قیمت معامله را طبق بندهای ۷۴ تا ۸۷، به آن تعهد عملکردی تخصیص دهد.

ب۳۰: اگر مشتری اختیار خرید جداگانه ضمانت را نداشته باشد، واحد تجاری باید ضمانت را طبق استاندارد حسابداری ۴ ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی به حساب منظور کند، مگر اینکه ضمانت تعهد شده یا قسمتی از ضمانت تعهد شده، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده خدمتی را به مشتری ارائه کند.

واحد تجاری در ارزیابی اینکه ضمانت علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی به مشتری ارائه می کند یا خیر، باید عواملی نظیر موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف: آیا ضمانت به موجب قانون الزامی شده است یا خیر: اگر واحد تجاری به موجب قانون ملزم به ارائه ضمانت شده باشد، وجود این قانون نشان میدهد که ضمانت تعهد شده، تعهد عملکردی نیست، زیرا چنین الزاماتی معمولاً برای محافظت از مشتریان در برابر ریسک خرید محصولات معیوب وجود دارند.

ب: طول دوره پوشش ضمانت: هر چه دوره پوشش طولانی تر باشد احتمال اینکه ضمانت تعهد شده تعهد عملکردی باشد، بیشتر است زیرا احتمال اینکه علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی به مشتری ارائه شود، بیشتر می شود.

پ: ماهیت وظایفی که واحد تجاری متعهد به اجرای آنها است: چنانچه اجرای وظایفی مشخص توسط واحد تجاری برای ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده ضرورت داشته باشد (برای مثال، خدمت حمل مربوط به برگشت کالای معیوب)، در این صورت، وظایف مذکور احتمالاً منجر به ایجاد تعهد عملکردی نمی شود.

**ب۳۲:** چنانچه ضمانت یا قسمتی از ضمانت، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی به مشتری ارائه کند، خدمت تعهد شده، یک تعهد عملکردی است. بنابراین، واحد تجاری باید قیمت معامله را به محصول و خدمت تخصیص دهد. اگر واحد تجاری هم ضمانت از نوع اطمینان و هم ضمانت از نوع خدمت را متعهد شود، اما نتواند بطور معقول آنها را جداگانه به حساب منظور کند، باید هر دو ضمانت را با هم به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد در نظر بگیرد.

**ب۳۳:** قانونی که واحد تجاری را در صورت ایجاد خسارت یا آسیب ناشی از محصولات واحد تجاری، ملزم به پرداخت خسارت می کند، موجب تعهد عملکردی نمیشود. برای مثال، یک تولید کننده ممکن است محصولات خود را در کشوری به فروش برساند که طبق قوانین آن کشور، تولید کننده مسئول هرگونه خسارتی (برای مثال، بر اموال شخصی) است که ممکن است در نتیجه استفاده مورد نظر از محصول توسط مصرف کننده به وجود آید به همین ترتیب، تعهد واحد تجاری به جبران خسارت مشتری بابت بدهیها و خسارتهای ناشی از ادعا نسبت به حق اختراع، حق تکثیر، علامت تجاری یا نقض حقوق دیگر ناشی از محصولات واحد تجاری، منجر به ایجاد تعهد عملکردی نمی شود. واحد تجاری باید چنین تعهداتی را طبق استاندارد حسابداری ۴ به حساب منظور کند.

### ملاحظات مربوط به اصیل در مقابل ملاحظات مربوط به نماینده

**ب۳۴:** هنگامی که شخص دیگری در فراهم کردن کالاها یا خدمات برای مشتری نقش دارد، واحد تجاری باید تعیین کند که آیا ماهیت تعهد واحد تجاری، یک تعهد عملکردی برای ارائه کالاها یا خدمات معین توسط خود او است (یعنی واحد تجاری اصیل است) یا فراهم کردن بستری برای شخص دیگر به منظور ارائه کالاها یا خدمات است یعنی واحد تجاری نماینده است واحد تجاری برای هر کالا یا خدمت معین تعهد شده به مشتری، تعیین میکند اصیل است یا نماینده منظور از یک کالا یا خدمت، معین یک کالا یا خدمت متمایز (یا بسته ای از کالاها یا خدمات متمایز) است که باید برای مشتری فراهم شود به بندهای ۲۸ تا ۳۱ مراجعه شود) اگر قرارداد با مشتری دربردارنده چندین کالا یا خدمت معین، باشد واحد تجاری میتواند برای برخی از کالاها یا خدمات معین، اصیل و برای برخی دیگر، نماینده باشد.

**ب۳۵:** واحد تجاری برای تعیین ماهیت تعهد خود (طبق توصیف بند ب ۳۴)، باید:

الف: کالاها یا خدمات معینی که قرار است برای مشتری فراهم شود را مشخص کند (که میتواند، برای مثال، حق نسبت به کالا یا خدمتی باشد که قرار است توسط شخصی دیگر فراهم شود (به بند ۲۷ مراجعه شود))؛ و

ب: ارزیابی کند که آیا هر کالا یا خدمت معین را، قبل از انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری، کنترل میکند یا خیر (طبق توصیف بند ۳۴)

ب۳۶: چنانچه واحد تجاری کالا یا خدمت معین را قبل از انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری کنترل کند، اصیل محسوب می شود. با وجود این، اگر واحد تجاری مالکیت قانونی یک کالای معین را تنها بطور موقت قبل از انتقال مالکیت قانونی به مشتری به دست آورد، لزوماً آن کالا را کنترل نمی کند یک واحد تجاری که اصیل محسوب میشود ممکن است تعهد عملکردی خود در فراهم کردن کالا یا خدمتی معین را خودش ایفا کند یا ممکن است شخص دیگری (مانند یک پیمانکار دست دوم) را برای ایفای تمام یا قسمتی از تعهد عملکردی از طرف خود بکار گمارد.

ب۳۷: هرگاه شخص دیگری برای فراهم کردن کالاها یا خدمات برای مشتری بکار گمارده شود، واحد تجاری که اصیل است، کنترل هر یک از موارد زیر را به دست می آورد:

الف: یک کالا یا دارایی دیگر دریافتی از شخص دیگر که بعداً به مشتری منتقل می شود.

ب: حق نسبت به خدمتی که قرار است توسط شخص دیگر ایفا شود، که این حق به واحد تجاری توانایی هدایت آن شخص برای ارائه آن خدمت به مشتری از طرف واحد تجاری را میدهد.

پ: کالا یا خدمت دریافتی از شخص دیگر که بعداً آن را با کالاها یا خدمات دیگر ترکیب می کند تا کالا یا خدمت معینی برای مشتری فراهم کند. برای مثال چنانچه واحد تجاری خدمت قابل ملاحظه ای برای یکپارچه سازی کالاها یا خدمات فراهم شده توسط شخص دیگر ارائه نماید (به بند ۳۰ الف) مراجعه شود) تا به کالا یا خدمت معینی دست یابد که قرارداد با مشتری بابت آن منعقد شده است، واحد تجاری قبل از انتقال کالا یا خدمت معین به مشتری، کنترل آن کالا یا خدمت را کسب می کند، زیرا واحد تجاری، نخست کنترل ورودیها را برای دستیابی به کالا یا خدمتی معین (که شامل کالاها یا خدمات از اشخاص دیگر است) در اختیار می گیرد و استفاده از ورودیها را برای ایجاد خروجی ترکیبی که خدمت یا کالایی معین است، هدایت می کند.

ب۳۸: زمانی (یا در طول زمانی) که واحد تجاری اصیل، تعهد عملکردی را ایفا می کند، واحد تجاری درآمد عملیاتی را به مبلغ ناخالص ما به ازایی که انتظار دارد در قبال کالا یا خدمت تعهد شده، نسبت به آن محق باشد، شناسایی می نماید.

ب۳۹: چنانچه تعهد عملکردی واحد تجاری، فراهم کردن بستر ارائه کالاها یا خدمات توسط شخص دیگر باشد، واحد تجاری، نماینده است. در صورتی که واحد تجاری، نماینده باشد، کنترل کالا یا خدمت معین فراهم شده توسط شخص دیگر را قبل از انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری، کسب نمی کند. زمانی (یا در طول زمانی) که واحد تجاری نماینده، تعهد عملکردی را ایفا می کند، در آمد عملیاتی را به مبلغ حق الزحمه یا کارمزدی شناسایی مینماید که انتظار دارد در ازای فراهم کردن بستر ارائه کالاها یا خدمات توسط شخص دیگر، نسبت به آن محق باشد. حق الزحمه یا کارمزد واحد تجاری، خالص مبلغ ما به ازایی است که پس از پرداخت از محل مابه ازای دریافتی به شخص دیگر در قبال کالاها یا خدماتی که باید توسط آن شخص ارائه شود، برای واحد تجاری باقی میماند.

ب۴۰: معیارهایی که نشان میدهد واحد تجاری کالا یا خدمتی معین را قبل از انتقال به مشتری کنترل میکند و بنابراین طبق بند ب ۳۷ اصیل است)، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نیست:

الف: واحد تجاری اساساً مسئول ایفای تعهد فراهم کردن کالا یا خدمتی معین باشد. این امر بطور معمول شامل مسئولیت بابت قابل قبول بودن کالا یا خدمتی معین است (برای مثال، مسئولیت اصلی بابت اینکه کالا یا خدمت، مشخصات مورد نظر مشتری را احراز کند). اگر واحد تجاری اساساً مسئول ایفای تعهد فراهم کردن کالا یا خدمتی معین باشد، این موضوع ممکن است نشان دهد که شخص دیگری که در فراهم کردن کالا یا خدمت معین نقش دارد، از طرف واحد تجاری عمل می کند.

**ب:** واحد تجاری قبل از انتقال کالا یا خدمت معین به مشتری یا پس از انتقال کنترل به مشتری (برای مثال، اگر مشتری حق برگشت داشته باشد)، ریسک موجودی را دارد. برای مثال، اگر واحد تجاری قبل از دستیابی به قرارداد با مشتری، به کالا یا خدمت معین دست یابد یا خود را متعهد به دستیابی به آن کالا یا خدمت کند، این موضوع ممکن است نشان دهنده آن باشد که واحد تجاری قبل از انتقال کالا یا خدمت به مشتری، توانایی هدایت استفاده از آن کالا یا خدمت یا دستیابی به تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از کالا یا خدمت مزبور را دارد.

**پ:** واحد تجاری اختیار تعیین قیمت کالا یا خدمت معین را داشته باشد تعیین قیمتی که مشتری بابت کالا یا خدمتی معین پرداخت می کند، ممکن است نشان دهنده آن باشد که واحد تجاری توانایی هدایت استفاده از آن کالا یا خدمت یا دستیابی به تقریباً تمام منافع باقیمانده را دارد. با وجود این، در برخی موارد، نماینده می تواند اختیار تعیین قیمت داشته باشد. برای مثال، نماینده ممکن است در راستای ایجاد درآمد عملیاتی بیشتر از طریق خدمت فراهم کردن بستر ارائه کالاها یا خدمات که قرار است توسط اشخاص دیگر به مشتری ارائه شود، تا حدودی در تعیین قیمتها انعطاف داشته باشد.

**ب ۴۱:** با توجه به ماهیت کالا یا خدمت معین و شرایط قرارداد، معیارهای مندرج در بند ب ۴۰ ممکن است در ارزیابی کنترل، کم و بیش مربوط تلقی شوند. افزون بر این، معیارهای دیگری ممکن است در قراردادهای مختلف شواهد متقاعد کننده تری فراهم کند.

**ب ۴۲:** چنانچه واحد تجاری دیگری، تعهدات عملکردی و حقوق قراردادی واحد تجاری را که در قرارداد مندرج است تقبل کند، به گونه ای که واحد تجاری، دیگر متعهد به ایفای تعهد عملکردی انتقال کالا یا خدمت معین به مشتری نباشد (یعنی واحد تجاری، دیگر به عنوان اصیل عمل نکند)، واحد تجاری نباید بابت آن تعهد عملکردی درآمد عملیاتی شناسایی کند. در مقابل، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا بابت ایفای تعهد عملکردی برای دستیابی شخص دیگر به قرارداد، باید درآمد عملیاتی شناسایی کند یا خیر (یعنی آیا واحد تجاری به عنوان نماینده عمل می کند یا خیر).

#### اختیار مشتری برای تحصیل کالاها یا خدمات اضافی

**ب ۴۳:** اختیار مشتری برای تحصیل کالاها یا خدمات اضافی بطور رایگان یا با تخفیف، به شکلهای مختلف ارائه می شود که از آن جمله به مشوقهای فروش، اعتبار (یا امتیاز) جایزه به مشتری، اختیار تمدید قرارداد یا سایر تخفیفها در ارتباط با کالاها یا خدمات آتی میتوان اشاره کرد.

**ب ۴۴:** اگر در یک قرارداد، واحد تجاری اختیار تحصیل کالاها یا خدمات اضافی را به مشتری اعطا کند، اختیار مذکور تنها در صورتی منجر به ایجاد تعهد عملکردی در قرارداد میشود که حق با اهمیتی برای مشتری فراهم کند، به گونه ای که مشتری بدون انعقاد آن قرارداد، به آن حق دست نیابد (برای مثال، تخفیفی که در مقایسه با دامنه تخفیفاتی که بطور معمول بابت آن کالاها یا خدمات به آن طبقه از مشتری در آن حوزه جغرافیایی یا بازار اعطا میشود، بیشتر است). اگر این اختیار حق با اهمیتی برای مشتری فراهم کند، مشتری در واقع بابت کالاها یا خدمات آتی پیش پرداخت انجام میدهد و واحد تجاری درآمد عملیاتی را هنگامی شناسایی می کند که کالاها یا خدمات آتی مزبور انتقال یابند یا اینکه اختیار منقضی شود.

**ب ۴۵:** اگر مشتری اختیار تحصیل کالا یا خدمت اضافی را به قیمتی داشته باشد که نشان دهنده قیمت فروش مستقل آن کالا یا خدمت است، این اختیار حق با اهمیتی برای مشتری فراهم نمیکند، حتی اگر اختیار مزبور، تنها با انعقاد قرارداد قبلی قابل اعمال باشد. در چنین مواردی، واحد تجاری پیشنهادی با هدف بازاریابی ارائه کرده است که

طبق این استاندارد تنها زمانی باید به حساب منظور شود که مشتری اختیار خرید کالاها یا خدمات اضافی را اعمال می کند.

ب۴۶: طبق بند ۷۵، واحد تجاری ملزم است قیمت معامله را بر مبنای قیمت فروش مستقل نسبی به تعهدات عملکردی تخصیص دهد. اگر قیمت فروش مستقل برای اختیار مشتری جهت تحویل کالاها یا خدمات اضافی، بطور مستقیم قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری باید آن را برآورد کند. این برآورد باید تخفیفی که مشتری هنگام اعمال اختیار به دست می آورد را منعکس کند و بابت هر دو مورد زیر تعدیل شود:  
الف: هرگونه تخفیف که مشتری میتواند بدون اعمال اختیار دریافت کند؛ و  
ب: میزان احتمال اینکه اختیار اعمال شود.

ب۴۷: چنانچه مشتری حق با اهمیتی برای تحویل کالاها یا خدمات آتی داشته باشد و کالاها یا خدمات مذکور، مشابه کالاها یا خدمات اولیه مندرج در قرارداد باشند و طبق شرایط قرارداد اولیه ارائه شده باشند؛ واحد تجاری ممکن است به عنوان یک اقتضای عملی برای برآورد قیمت فروش مستقل برای اختیار، قیمت معامله را با مراجعه به کالاها یا خدماتی که انتظار می رود فراهم شود و ما به ازای مورد انتظار برای آنها، به کالاها یا خدمات اختیاری تخصیص دهد. بطور معمول، این نوع اختیار، برای تمدید قرارداد است.

#### حق اعمال نشده توسط مشتری

ب۴۸: طبق بند ۱۰۷، هنگام دریافت پیش پرداخت مشتری واحد تجاری باید بدهی ناشی از قرارداد را به مبلغ پیش پرداخت مشتری، بابت تعهد عملکردی خود برای انتقال، یا آمادگی برای انتقال کالاها یا خدمات در آینده، شناسایی کند و واحد تجاری هنگامی که کالاها یا خدمات مذکور را انتقال میدهد، و بنابراین تعهد عملکردی را ایفا میکند، باید بدهی ناشی از قرارداد را قطع شناخت نماید و (درآمد عملیاتی شناسایی کند).

ب۴۹: پیش پرداخت غیر قابل استرداد مشتری به واحد تجاری، به مشتری حق دریافت کالا یا خدمت در آینده را می دهد (و واحد تجاری را متعهد می کند آماده انتقال کالا یا خدمت باشد). با وجود این، مشتری ممکن است تمام حقوق قراردادی خود را اعمال نکند.

ب۵۰: اگر واحد تجاری انتظار داشته باشد در بدهی ناشی از قرارداد، نسبت به مبلغ حق اعمال نشده توسط مشتری محق باشد، باید مبلغ مورد انتظار حق اعمال نشده توسط مشتری، را متناسب با الگوی حق اعمال شده توسط مشتری به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند. اگر واحد تجاری انتظار نداشته باشد، که نسبت به مبلغ حق اعمال نشده توسط مشتری حق داشته باشد، زمانی باید مبلغ مورد انتظار حق اعمال نشده توسط مشتری را به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند که احتمال اعمال حق باقیمانده توسط مشتری بعید باشد. برای تعیین اینکه واحد تجاری انتظار دارد نسبت به مبلغ حق اعمال نشده توسط مشتری محق باشد یا خیر، باید الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۵۹ درباره محدود کردن برآورد ما به ازای متغیر مورد توجه قرار گیرد.

ب۵۱: واحد تجاری باید بابت هر گونه ما به ازای دریافتی قابل انتساب به حق اعمال نشده توسط مشتری که واحد تجاری ملزم به پرداخت آن به شخصی دیگر است، بدهی (و نه درآمد عملیاتی) شناسایی کند.

#### حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد (و برخی مخارج مرتبط)

ب۵۲: در برخی قراردادهای واحد تجاری در آغاز قرارداد یا نزدیک به آن، حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد را از مشتری مطالبه می کند. مثالها شامل حق عضویت مندرج در قراردادهای عضویت در باشگاه تندرستی، حق الزحمه فعال

سازی در قراردادهای ارتباطات از راه دور، حق الزحمه تنظیم برخی قراردادهای خدماتی و حق الزحمه اولیه در برخی قراردادهای تأمین است.

ب۵۳: واحد تجاری برای تشخیص تعهدات عملکردی در چنین قراردادهایی باید ارزیابی کند که آیا حق الزحمه اولیه، به انتقال کالا یا خدمت تعهد شده مربوط است یا خیر. در بسیاری از موارد، حتی اگر حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد مربوط به فعالیتی باشد که واحد تجاری باید برای ایفای قرار داد، آن فعالیت را در آغاز قرارداد یا نزدیک به آن انجام دهد فعالیت مذکور منجر به انتقال کالا یا خدمت تعهد شده به مشتری نمیشود (به بند ۲۶ مراجعه شود) در مقابل، حق الزحمه اولیه، پیش دریافت بابت کالاها یا خدمات آتی است و بنابراین، هنگام ارائه آن کالاها یا خدمات در آینده، به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی میشود اگر واحد تجاری اختیار، تمدید قرارداد را به مشتری اعطا کند و این اختیار حق با اهمیتی طبق توصیف دب ۴۰ برای مشتری فراهم نماید، دوره شناسایی درآمد عملیاتی از دوره قراردادی اولیه، فراتر خواهد رفت.

ب۵۴: اگر پیش دریافت حق الزحمه غیر قابل استرداد، به یک کالا یا خدمت مربوط باشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا آن کالا یا خدمت را طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱، به عنوان تعهد عملکردی جداگانه به حساب منظور کند یا خیر.

ب۵۵: واحد تجاری ممکن است بخشی از حق الزحمه غیر قابل استرداد را بابت جبران مخارج تحمل شده برای تنظیم قرارداد (یا سایر امور اداری تشریح شده در بند ۲۶) مطالبه کند. اگر فعالیتهای تنظیم قرارداد، تعهد عملکردی نباشند واحد تجاری باید در زمان اندازه گیری میزان پیشرفت طبق بند ۱۹، فعالیتهای مذکور و مخارج مرتبط را نادیده بگیرد. دلیل این موضوع این است که مخارج فعالیتهای تنظیم قرارداد، نشان دهنده انتقال خدمات به مشتری نیست واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا مخارج تحمل شده برای تنظیم قرارداد، یک دارایی که باید طبق بند ۹۶ شناسایی شود ایجاد کرده است یا خیر.

### اعطای مجوز

ب۵۶: مجوز، برای مشتری نسبت به دارایی فکری واحد تجاری حق ایجاد می کند. مجوزهای دارایی فکری ممکن است بابت موارد زیر باشد، اما محدود به آنها نیست:

الف: نرم افزار و فناوری؛

ب: فیلم، موسیقی و سایر اشکال رسانه و سرگرمی؛

پ: فرانشیز؛ و

ت: حق اختراع، علائم تجاری و حق تکثیر.

ب۵۷: واحد تجاری ممکن است افزون بر تعهد به اعطای مجوز مجوزها به مشتری، متعهد به انتقال کالاها یا خدمات دیگری نیز به مشتری باشد. چنین تعهداتی ممکن است به صراحت در قرارداد ذکر شود یا بطور ضمنی از طریق رویه های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه های خاص منتشر شده واحد تجاری بیان گردد (به بند ۲۵ مراجعه شود). همانند سایر انواع قراردادهای، هنگامی که قرارداد با مشتری، افزون بر سایر کالاها یا خدمات تعهد شده، شامل تعهد به اعطای مجوز (یا مجوزها) باشد، واحد تجاری بندهای ۲۳ تا ۳۱ را برای تشخیص هر یک از تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد بکار می گیرد.

ب۵۸: چنانچه طبق بندهای ۲۷ تا ۳۱، تعهد به اعطای مجوز از دیگر کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد متمایز نباشد، واحد تجاری باید تعهد به اعطای مجوز و سایر کالاها یا خدمات تعهد شده را با هم به عنوان یک تعهد عملکردی



منفرد در نظر بگیرد. نمونه هایی از مجوزهایی که از سایر کالاها یا خدمات تعهد شده در قرارداد متمایز نیستند، شامل موارد زیر است:

**الف:** مجوزی که جزئی از یک کالای مشهود را تشکیل میدهد و بخش جدانشدنی قابلیت آن کالا است؛ و  
**ب:** مجوزی که مشتری میتواند تنها همراه با یک خدمت مرتبط مانند خدمت برخط ارائه شده توسط واحد تجاری که دسترسی مشتری به محتوا را از طریق اعطای مجوز امکانپذیر می کند از آن منتفع شود.

**ب ۵۹:** اگر مجوز متمایز نباشد، واحد تجاری باید برای تعیین اینکه تعهد عملکردی (که شامل مجوز تعهد شده است) در طول زمان ایفا شده است یا در نقطه ای از زمان، بندهای ۳۲ تا ۳۹ را بکار گیرد.

**ب ۶۰:** اگر تعهد به اعطای مجوز از سایر کالاها یا خدمات تعهد شده مندرج در قرارداد متمایز باشد و بنابراین، تعهد به اعطای مجوز، یک تعهد عملکردی جداگانه محسوب شود، واحد تجاری باید تعیین کند که آیا مجوز در نقطه ای از زمان به مشتری منتقل می شود یا در طول زمان برای تعیین این موضوع، واحد تجاری باید بررسی کند که ماهیت تعهد واحد تجاری در اعطای مجوز به مشتری، فراهم کردن کدام یک از موارد زیر برای مشتری است:

**الف:** حق دسترسی به دارایی فکری واحد تجاری که در سراسر دوره زمانی مجوز وجود دارد؛ یا  
**ب:** حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری که در نقطه زمانی اعطای مجوز وجود دارد.

### تعیین ماهیت تعهد واحد تجاری

**ب ۶۱:** ماهیت تعهد واحد تجاری در اعطای مجوز، در صورت احراز تمام معیارهای زیر، تعهد به فراهم کردن حق دسترسی به دارایی فکری واحد تجاری است:

**الف:** واحد تجاری طبق الزام قرارداد یا انتظار معقول مشتری، فعالیتهایی را انجام دهد که بر دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، تأثیر عمده داشته باشد (به بندهای ب ۶۲ و ب ۶۳ مراجعه شود)؛

**ب:** حق منتقل شده از طریق مجوز، مشتری را بطور مستقیم در معرض آثار منفی یا مثبت فعالیتهای واحد تجاری که در بند ب ۶۱ (الف) مشخص شده است، قرار دهد؛ و

**پ:** فعالیتهای مذکور، در زمان وقوع، منجر به انتقال کالا یا خدمت به مشتری نشود (به بند ۲۶ مراجعه شود).

**ب ۶۲:** عواملی که ممکن است نشان دهد مشتری میتواند انتظار معقول داشته باشد که واحد تجاری فعالیتهایی را انجام دهد که تأثیر عمده بر دارایی فکری دارد، شامل رویه های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه های خاص منتشر شده واحد تجاری است. وجود منافع اقتصادی مشترک (برای مثال، حق امتیاز مبتنی بر فروش) بین واحد تجاری و مشتری در ارتباط با دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، اگرچه عاملی تعیین کننده نیست، ممکن است نشان دهد که مشتری می تواند انتظاری معقول داشته باشد که واحد تجاری چنین فعالیتهایی را انجام دهد.

**ب ۶۳:** زمانی که یکی از موارد زیر وجود داشته باشد، فعالیتهای واحد تجاری بر دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، تأثیر عمده میگذارد:

**الف:** انتظار رود آن فعالیتها، شکل (برای مثال طراحی یا محتوا) یا قابلیت (برای مثال توانایی انجام یک عمل یا وظیفه) آن دارایی فکری را تغییر دهد؛ یا

**ب:** توانایی مشتری برای دستیابی به منافع حاصل از آن دارایی فکری، اساساً ناشی از آن فعالیتها یا وابسته به آن فعالیتها باشد. برای مثال، منافع حاصل از یک نام تجاری، اغلب از فعالیتهای مستمر واحد تجاری که ارزش دارایی فکری را حفظ یا پشتیبانی میکنند، ناشی میشود یا به آن فعالیتها وابسته است.

بر این اساس، اگر دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، قابلیت مستقل مهمی داشته باشد، بخش عمده منافع آن دارایی فکری، از آن قابلیت ناشی می شود. در نتیجه، توانایی مشتری برای دستیابی به منافع حاصل از آن دارایی فکری، از فعالیتهای واحد تجاری تأثیر عمده نمی پذیرد، مگر اینکه آن فعالیتها، تغییر عمده ای در شکل یا قابلیت آن دارایی فکری ایجاد کنند. انواع داراییهای فکری که اغلب ماهیت مستقل مهمی دارند، شامل نرم افزار، ترکیبات بیولوژیک یا فرمول داروها، و محتوای رسانه ای تکمیل شده (برای مثال فیلمها، نمایشهای تلویزیونی و موسیقیهای ضبط شده است).

ب۶۴: واحد تجاری در صورت احراز معیارهای مندرج در بند ب ۶۱، باید تعهد به اعطای مجوز را به عنوان تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان، به حساب منظور کند، زیرا مشتری در طول زمان ایفای تعهد عملکردی توسط واحد تجاری، یعنی فراهم کردن دسترسی به دارایی فکری، منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف خواهد کرد (به بند ۳۶ الف) مراجعه شود). واحد تجاری برای انتخاب روش مناسب اندازه گیری پیشرفت خود در ایفای کامل آن تعهد عملکردی برای فراهم کردن دسترسی، باید بندهای ۴۰ تا ۴۶ را بکار گیرد.

ب۶۵: اگر معیارهای مندرج در بند ب ۶۱ احراز نشود، ماهیت تعهد واحد تجاری فراهم کردن حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری در همان وضعیت موجود از نظر شکل یا قابلیت در نقطه ای از زمان است که مجوز به مشتری منتقل میشود. به عبارتی مشتری می تواند استفاده از مجوز را در زمان اعطای مجوز، هدایت کند و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن را به دست آورد. واحد تجاری باید تعهد به فراهم کردن حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری را به عنوان تعهد عملکردی ایفا شده در نقطه ای از زمان، به حساب منظور کند واحد تجاری برای تعیین نقطه ای از زمان که مجوز به مشتری منتقل می شود، باید بند ۳۹ را بکار گیرد. با وجود این، بابت مجوزی که حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری را قبل از شروع دوره ای فراهم می کند که طی آن مشتری میتواند از مجوز استفاده نماید و منافع آن را به دست آورد، در آمد عملیاتی قابل شناسایی نیست. برای مثال، اگر قبل از زمان فراهم کردن (یا به گونه ای دیگر در دسترس قرار دادن) یک رمز برای مشتری که مشتری بتواند بلافاصله از نرم افزار استفاده کند، دوره زمانی مجوز نرم افزار شروع شود، واحد تجاری نباید در آمد عملیاتی را قبل از فراهم کردن (یا به گونه ای دیگر در دسترس قرار دادن) رمز مذکور شناسایی کند.

ب۶۶: هنگام تعیین اینکه مجوز، حق دسترسی به دارایی فکری واحد تجاری یا حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری را فراهم می کند یا خیر، واحد تجاری باید عوامل زیر را نادیده بگیرد:  
الف: محدودیتهای زمان محدودیتهای منطقه جغرافیایی یا محدودیتهای استفاده- این محدودیتها به جای تعیین اینکه واحد تجاری تعهد عملکردی را در نقطه ای از زمان ایفا میکند یا در طول زمان، ویژگیهای مجوز تعهد شده را تعیین می کنند.

ب: ضمانتهای ارائه شده توسط واحد تجاری مبنی بر اینکه واحد تجاری نسبت به دارایی فکری حق اختراع دارد و از آن حق اختراع در مقابل استفاده بدون مجوز دفاع میکند- تعهد به دفاع از حق اختراع، تعهد عملکردی نیست، زیرا عمل دفاع از حق اختراع، ارزش داراییهای فکری واحد تجاری را حفظ میکند و مشتری اطمینان حاصل میکند که مجوز انتقال یافته با ویژگیهای مجوز تعهد شده در قرارداد مطابقت دارد.

حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده

ب۶۷: با وجود الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۶۰، واحد تجاری باید درآمد عملیاتی حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده را که در ازای مجوز دارایی فکری تعهد شده است، تنها در زمان یا در طول زمان وقوع رویدادهای زیر، هر کدام که دیر تر باشد، شناسایی کند

الف: فروش یا استفاده بعدی واقع شود؛ و

ب: تعهد عملکردی که تمام یا قسمتی از حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده به آن تخصیص یافته است، ایفا شده باشد (یا قسمتی از آن ایفا شده باشد).

ب۶۸: الزام بند ب ۶۷ برای حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده، هنگامی بکار گرفته میشود که حق امتیاز مزبور تنها به مجوز دارایی فکری، مربوط باشد یا مجوز دارایی فکری جزء اصلی باشد که حق امتیاز به آن مربوط است (برای مثال، هنگامی که واحد تجاری بطور معقول انتظار دارد که مشتری ارزش بسیار بیشتری برای مجوز در مقایسه با کالاها یا خدمات دیگری که مجوز به آن مربوط است قائل باشد، مجوز دارایی فکری ممکن است جزء اصلی باشد که حق امتیاز به آن مربوط است).

ب۶۹: هرگاه الزام بند ب ۶۸ احراز شود، درآمد عملیاتی حاصل از حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده باید بطور کامل طبق بند ب ۶۷ شناسایی شود. هرگاه الزام بند ب ۶۸ احراز نشود، الزامات مابده ازای متغیر در بندهای ۵۱ تا ۶۰، برای حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده بکار گرفته می شود.

### توافقاتی باز خرید

ب۷۰: توافق باز خرید، قراردادی است که در آن، واحد تجاری یک دارایی را می فروشد و همچنین متعهد میشود یا اختیار دارد (در همان قرارداد یا در قراردادی (دیگر دارایی را باز خرید کند. دارایی باز خرید شده ممکن است همان دارایی باشد که به مشتری فروخته شده است، یک دارایی باشد که اساساً همانند آن دارایی است، یا دارایی دیگری باشد که دارایی فروخته شده اولیه، بخشی از آن است.

ب۷۱: بطور کلی، توافقاتی باز خرید، سه شکل زیر را دارند:

الف: تعهد واحد تجاری به باز خرید دارایی (پیمان آتی)؛

ب: حق واحد تجاری برای باز خرید دارایی (اختیار خرید)؛ و

پ: تعهد واحد تجاری به باز خرید دارایی به درخواست مشتری (اختیار فروش).

### پیمان آتی یا اختیار خرید

ب۷۲: اگر واحد تجاری تعهد به باز خرید دارایی (پیمان آتی) یا حق باز خرید دارایی اختیار خرید را داشته باشد، مشتری کنترل دارایی را به دست نمی آورد، زیرا حتی اگر مشتری تصرف فیزیکی دارایی را در اختیار داشته باشد، اما توانایی مشتری برای هدایت استفاده از دارایی، و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی محدود شده است. بر این اساس، واحد تجاری باید قرارداد را به یکی از روشهای زیر به حساب منظور کند:

الف: به عنوان اجاره طبق استاندارد حسابداری ۲۱ حسابداری اجاره ها، چنانچه واحد تجاری بتواند یا ملزم باشد دارایی را به مبلغی کمتر از قیمت فروش اولیه آن دارایی باز خرید کند.

ب: به عنوان یک توافق تأمین مالی طبق بند ب ۷۴ چنانچه واحد تجاری بتواند یا ملزم باشد دارایی را به مبلغی برابر یا بیشتر از قیمت فروش اولیه آن دارایی باز خرید کند.

ب۷۳: واحد تجاری هنگام مقایسه قیمت باز خرید با قیمت فروش باید ارزش زمانی پول را مدنظر قرار دهد.

ب۷۴: اگر توافق باز خرید، یک توافق تأمین مالی باشد، واحد تجاری باید به شناسایی دارایی ادامه دهد و همچنین، بابت ما به ازای دریافتی از مشتری بدهی مالی شناسایی کند. واحد تجاری باید تفاوت بین مبلغ مابه ازای دریافتی از مشتری و مبلغ ما به ازایی که باید به مشتری پرداخت شود را به عنوان هزینه مالی و، در صورت اقتضا، به عنوان مخارج پردازش یا نگهداری دارایی (برای مثال، بیمه) شناسایی کند.

ب۷۵: چنانچه اختیار خرید بدون اعمال، منقضی شود، واحد تجاری باید بدهی را قطع شناخت و درآمد عملیاتی شناسایی کند.

### اختیار فروش

ب۷۶: چنانچه واحد تجاری به درخواست مشتری متعهد به باز خرید دارایی (اختیار فروش) به قیمتی کمتر از قیمت فروش اولیه آن باشد، واحد تجاری باید در آغاز قرارداد بررسی کند آیا مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه ای برای اعمال آن حق دارد یا خیر. اعمال این حق توسط مشتری در عمل موجب میشود مشتری بابت حق استفاده از دارایی معین برای یک دوره زمانی، به واحد تجاری ما به ازای پرداخت کند. بنابراین، اگر مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه ای برای اعمال حق مذکور داشته باشد، واحد تجاری باید آن توافق را طبق استاندارد حسابداری ۲۱، به عنوان اجاره به حساب منظور کند.

ب۷۷: برای تعیین اینکه مشتری، انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه ای برای اعمال حق خود دارد یا خیر، واحد تجاری باید عوامل مختلف، شامل رابطه قیمت باز خرید با ارزش بازار مورد انتظار دارایی در تاریخ باز خرید و زمان باقیمانده تا انقضای حق مذکور را مدنظر قرار دهد. برای مثال، اگر انتظار رود قیمت باز خرید بطور قابل ملاحظه ای بیشتر از ارزش بازار دارایی باشد، این موضوع ممکن است نشان دهنده انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه مشتری برای اعمال اختیار فروش باشد.

ب۷۸: اگر مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه ای برای اعمال حق خود به قیمتی کمتر از قیمت فروش اولیه دارایی نداشته باشد، واحد تجاری باید توافق را به گونه ای به حساب منظور کند که گویی این توافق، فروش محصول با حق برگشت طبق توصیف بندهای ب ۲۰ تا ب ۲۷ است.

ب۷۹: اگر قیمت باز خرید دارایی، برابر یا بیشتر از قیمت فروش اولیه و بیشتر از ارزش بازار مورد انتظار دارایی باشد، قرارداد در عمل یک توافق تأمین مالی است و بنابراین، باید طبق بند ب ۷۴ به حساب منظور شود.

ب۸۰: اگر قیمت باز خرید دارایی، برابر یا بیشتر از قیمت فروش اولیه و برابر یا کمتر از ارزش بازار مورد انتظار دارایی باشد، و مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه ای برای اعمال حق خود نداشته باشد، واحد تجاری باید توافق را به گونه ای به حساب منظور کند که گویی فروش محصول با حق برگشت طبق توصیف بندهای ب ۲۰ تا ب ۲۷ است.

ب۸۱: واحد تجاری هنگام مقایسه قیمت باز خرید با قیمت فروش، باید ارزش زمانی پول را در نظر بگیرد.

ب۸۲: اگر اختیار فروش بدون اعمال منقضی شود، واحد تجاری باید بدهی را قطع شناخت کند و درآمد عملیاتی شناسایی نماید.

### توافقات حق عملکردی

ب۸۳: هر گاه واحد تجاری محصولی را به شخص دیگری مانند (معامله گر یا توزیع کننده) انتقال دهد تا آن را به مشتریان نهایی بفروشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا آن شخص دیگر، کنترل محصول را در آن نقطه از زمان به دست آورده است یا خیر. اگر شخص دیگر کنترل محصول را به دست نیاورده باشد، محصول منتقل شده به او ممکن است در قالب یک توافق حق عملکردی نگهداری شود. بر این اساس، اگر محصول انتقال یافته بر اساس توافق حق عملکردی نگهداری شود، واحد تجاری نباید ت انتقال محصول به شخص دیگر، درآمد عملیاتی شناسایی کند.

ب۸۴: معیارهایی که نشان می‌دهد توافق از نوع حق عملکردی است، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نیست:

الف: محصول، تا زمان وقوع رویدادی معین، مانند فروش محصول به یکی از مشتریان شخص معامله گر یا منقضی شدن یک دوره زمانی معین، در کنترل واحد تجاری باشد؛

ب: واحد تجاری بتواند برگشت محصول یا انتقال محصول به شخص ثالث (نظیر یک معامله گر دیگر) را الزامی کند؛ و  
پ: معامله گر برای پرداخت بابت محصول، تعهد غیر مشروط نداشته باشد (اگرچه ممکن است ملزم به پرداخت سپرده شده باشد).

### توافقات فروش و نگهداری

ب۸۵: توافق فروش و نگهداری، قراردادی است که به موجب آن، واحد تجاری محصول را برای مشتری صورت حساب می‌کند، اما تصرف فیزیکی محصول را تا زمان انتقال به مشتری در نقطه ای از زمان در آینده، حفظ میکند برای مثال، مشتری ممکن است به دلیل کمبود فضای در دسترس برای محصول یا به دلیل تأخیر در برنامه زمانبندی تولید، از واحد تجاری درخواست کند که چنین قراردادی را منعقد نماید.

ب۸۶: واحد تجاری باید زمان ایفای تعهد عملکردی خود برای انتقال محصول را از طریق ارزیابی زمان کسب کنترل آن محصول توسط مشتری، تعیین کند (به بند ۳۹ مراجعه شود). در برخی قراردادها، با توجه به شرایط قرارداد (شامل شرایط تحویل و بارگیری)، کنترل زمانی منتقل می‌شود که محصول به محل مشتری تحویل داده شود یا محصول بارگیری گردد. با وجود این، در برخی قراردادها، حتی اگر تصرف فیزیکی محصول نزد واحد تجاری باقی بماند، مشتری ممکن است کنترل محصول را به دست آورده باشد. در چنین حالتی، مشتری توانایی هدایت استفاده از آن محصول و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن محصول را دارد، حتی اگر تصمیم گرفته باشد حق خود برای تصرف فیزیکی آن محصول را اعمال نکند. بنابراین، واحد تجاری محصول را کنترل نمی‌کند، بلکه خدمات حفاظت و نگهداری دارایی مشتری را به مشتری ارائه می‌دهد.

ب۸۷: افزون بر بکارگیری الزامات بند ۳۹، برای اینکه مشتری کنترل محصول را در توافق فروش و نگهداری به دست آورد، تمام معیارهای زیر باید احراز شود:

الف: دلیل توافق فروش و نگهداری، نباید صوری باشد (برای مثال، مشتری این توافق را درخواست کرده باشد)؛

ب: محصول باید به عنوان محصول متعلق به مشتری بطور جداگانه قابل تشخیص باشد؛

پ: در حال حاضر، محصول باید برای انتقال فیزیکی به مشتری آماده باشد؛ و

ت: واحد تجاری توانایی استفاده از محصول یا ارسال آن به مشتری دیگر را نداشته باشد.

ب۸۸: اگر واحد تجاری بابت فروش محصول بر مبنای توافق فروش و نگهداری، درآمد عملیاتی شناسایی کند، واحد تجاری باید بررسی کند آیا طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱، تعهد عملکردی باقیمانده ای (برای مثال، خدمات حفاظت و نگهداری) را دارد که طبق بندهای ۷۴ تا ۸۷، ملزم به تخصیص بخشی از قیمت معامله به آن باشد یا خیر.

### پذیرش توسط مشتری

ب ۸۹: طبق بند ۳۹(ث)، پذیرش دارایی توسط مشتری ممکن است بیانگر این باشد که مشتری کنترل دارایی را به دست آورده است. شرطهای قراردادی پذیرش توسط مشتری، به مشتری اجازه میدهد در صورتی که کالا یا خدمت مطابق با ویژگیهای توافق شده نباشد، قرارداد را فسخ کند یا واحد تجاری را ملزم به انجام اقدامات جبرانی نماید. هنگام ارزیابی زمان کسب کنترل کالا یا خدمت توسط مشتری، واحد تجاری باید این شرطها را در نظر بگیرد.

ب ۹۰: چنانچه واحد تجاری بتواند بطور عینی تعیین کند که کنترل کالا یا خدمت، طبق ویژگیهای توافق شده در قرارداد به مشتری منتقل شده است، پذیرش توسط مشتری، تشریفاتی است که بر تعیین زمان به دست آوردن کنترل کالا یا خدمت توسط مشتری، تأثیر نمی گذارد. برای مثال، اگر شرطهای قراردادی پذیرش توسط مشتری مبتنی بر رعایت ویژگیهای اندازه و وزن معینی باشد، واحد تجاری قبل از دریافت تأییدیه پذیرش توسط مشتری، میتواند تعیین کند که آیا معیارهای مذکور احراز شده است یا خیر. تجربه واحد تجاری در ارتباط با قراردادهایی برای کالاها یا خدمات مشابه، ممکن است شواهدی فراهم کند مبنی بر اینکه کالا یا خدمت تأمین شده برای مشتری طبق ویژگیهای توافق شده در قرارداد است. اگر درآمد عملیاتی قبل از پذیرش توسط مشتری، شناسایی شود، واحد تجاری باید همچنان بررسی کند که آیا تعهد عملکردی باقیمانده ای (برای مثال، نصب تجهیزات) وجود دارد یا خیر و در صورت وجود ارزیابی کند که آیا آنها را باید بطور جداگانه به حساب منظور نماید یا خیر.

ب ۹۱: با وجود این، اگر واحد تجاری نتواند بطور عینی تعیین کند که کالا یا خدمت تأمین شده برای مشتری، طبق ویژگیهای توافق شده در قرارداد است، تا زمانی که واحد تجاری پذیرش توسط مشتری را دریافت نکرده باشد، نمی تواند نتیجه بگیرد که مشتری کنترل دارایی را به دست آورده است. دلیل این امر آن است که در چنین شرایطی واحد تجاری نمی تواند تعیین کند که مشتری توانایی هدایت استفاده از کالا یا خدمت و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن را دارد.

ب ۹۲: چنانچه واحد تجاری محصولات را برای آزمایش، یا به قصد ارزیابی به مشتری تحویل دهد و تا زمان سپری شدن دوره آزمایش مشتری متعهد به پرداخت هیچ مابه ازایی نشده باشد، کنترل محصول تا زمانی که مشتری محصول را بپذیرد یا دوره آزمایش سپری شود، به مشتری منتقل نمی گردد.

### افشای درآمد عملیاتی به تفکیک طبقات

ب ۹۳: بند ۱۱۵ واحد تجاری را ملزم میکند که درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان را به طبقاتی تفکیک کند که نشان دهد ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان در آمد عملیاتی و جریانهای نقدی چگونه از عوامل اقتصادی تأثیر می پذیرد. در نتیجه، میزان تفکیک درآمد عملیاتی برای اهداف افشا در این استاندارد، به واقعیتها و شرایط بستگی دارد که به قراردادهای واحد تجاری با مشتریان مربوط است. برخی واحدهای تجاری ممکن است به منظور دستیابی به هدف بند ۱۱۵ برای تفکیک در آمد عملیاتی، نیاز به استفاده از چند نوع طبقه داشته باشند. برخی دیگر از واحدهای تجاری ممکن است تنها با استفاده از یک نوع طبقه، به هدف تفکیک در آمد عملیاتی دست یابند.

ب ۹۴: هنگام انتخاب نوع طبقه (یا طبقات) مورد استفاده برای تفکیک درآمد عملیاتی، واحد تجاری باید نحوه ارائه اطلاعات درباره درآمد عملیاتی برای مقاصد دیگر، شامل تمام موارد زیر را بررسی کند:

الف: موارد افشای ارائه شده خارج از صورتهای مالی (برای مثال گزارشهای تفسیری مدیریت یا سایر گزارشهای ارائه شده به سرمایه گذار)؛

ب: اطلاعاتی که بطور منظم به منظور ارزیابی عملکرد مالی قسمتهای عملیاتی بررسی میشود؛ و

پ: سایر اطلاعاتی که با انواع اطلاعات مشخص شده در بند ب ۹۴ (الف) و (ب) مشابه است و توسط واحد تجاری یا استفاده‌کنندگان صورتهای مالی واحد تجاری، برای ارزیابی عملکرد مالی یا تصمیمات تخصیص منابع، استفاده می‌شود.

ب۹۵: نمونه‌هایی از طبقاتی که ممکن است مناسب باشد، شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نیست:

الف: نوع کالا یا خدمت (برای مثال، خطوط اصلی تولید)؛

ب: منطقه جغرافیایی (برای مثال، کشور یا منطقه)؛

پ: بازار یا نوع مشتری برای مثال مشتریان دولتی و غیر دولتی؛

ت: نوع قرارداد (برای مثال، قراردادهای مقطوع)؛

ث: مدت زمان قرارداد (برای نمونه، قراردادهای کوتاه مدت و بلندمدت)؛

ج: زمانبندی انتقال کالاها یا خدمات (برای مثال، درآمد عملیاتی حاصل از کالاها یا خدمات انتقال یافته به مشتریان در یک نقطه از زمان و درآمد عملیاتی حاصل از کالاها یا خدمات انتقال یافته در طول زمان)؛ و

چ: کانالهای فروش (برای مثال، کالاهایی که بطور مستقیم به مصرف‌کنندگان فروخته می‌شود و کالاهایی که از طریق واسطه‌ها به فروش میرسد).



پیوست پ

گذار

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد حسابداری است و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم الاجرا است.

گذار

پ ۱: برای مقاصد الزامات گذار در بندهای پ ۳ تا پ ۸:  
الف: تاریخ بکارگیری اولیه، شروع دوره گزارشگری است که واحد تجاری این استاندارد را برای نخستین بار بکار می گیرد؛ و

ب: قرارداد تکمیل شده، قراردادی است که واحد تجاری تمام کالاها یا خدمات معین مرتبط با آن قرارداد را طبق استاندارد حسابداری ۳ در درآمد عملیاتی، استاندارد حسابداری ۹ حسابداری پیمانهای بلندمدت و استاندارد حسابداری ۲۹ فعالیت‌های ساخت املک، انتقال داده است.

پ ۲: واحد تجاری باید این استاندارد را با استفاده از یکی از شیوه های زیر بکار گیرد:  
الف: با تسری به هر دوره گزارشگری گذشته که طبق استاندارد حسابداری ۳۴ رویه های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات ارائه شده است و با در نظر گرفتن اقتضای عملی بند پ ۵ یا  
ب: با تسری به گذشته، همراه با شناسایی اثر انباشته بکارگیری اولیه این استاندارد در تاریخ بکارگیری اولیه طبق بندهای پ ۶ تا پ ۸

پ ۳: با وجود الزامات بند ۲۷ استاندارد حسابداری ۳۴، هرگاه این استاندارد برای نخستین بار بکار گرفته شود، واحد تجاری ملزم است برای دوره سالانه ای که بلافاصله قبل از نخستین دوره سالانه بکارگیری این استاندارد (دوره قبلی) قرار دارد، و تنها در صورتی که واحد تجاری این استاندارد را با تسری به گذشته طبق بند پ (۲ الف) بکار میگیرد صرفاً اطلاعات کمی الزامی طبق بند ۲۷ (ج) استاندارد حسابداری ۳۴ را ارائه نماید. ممکن است واحد تجاری این اطلاعات را برای دوره جاری یا برای دوره های مقایسه ای قبلی نیز ارائه کند، اما ملزم به انجام این کار نیست.

پ ۴: هنگام بکارگیری این استاندارد با تسری به گذشته طبق بند پ (۲ الف)، واحد تجاری ممکن است یک یا چند اقتضای عملی زیر را بکارگیرد:

الف: برای قراردادهای تکمیل شده، واحد تجاری نیازی به تجدید ارائه قراردادهای زیر ندارد:  
۱) قراردادهایی که در یک دوره گزارشگری شروع میشوند و خاتمه می یابند؛ یا  
۲) قراردادهایی که در شروع نخستین دوره ارائه شده، قراردادهای تکمیل شده محسوب می شوند.

ب: واحد تجاری می تواند برای قراردادهای تکمیل شده ای که ما به ازای متغیر دارند، از قیمت معامله در تاریخ تکمیل قرارداد به جای برآورد مبالغ ما به ازای متغیر در دوره های گزارشگری مقایسه ای، استفاده کند؛ و

پ: واحد تجاری ملزم نیست برای قراردادهایی که قبل از شروع نخستین دوره ارائه شده تعدیل شده اند، قرارداد را به دلیل تعدیل قرارداد طبق بندهای ۲۱ تا ۲۲، با تسری به گذشته تجدید ارائه کند. به جای آن، واحد تجاری باید اثر تجمیعی تمام تعدیلات واقع شده قبل از شروع نخستین دوره ارائه شده را در زمانهای زیر نشان دهد:

۱) تشخیص تعهدات عملکردی ایفا شده و ایفاننده؛

۲) تعیین قیمت معامله؛ و

۳) تخصیص قیمت معامله به تعهدات عملکردی ایفا شده و ایفاننده.

ت: واحد تجاری ملزم نیست برای تمام دوره های گزارشگری ارائه شده قبل از تاریخ بکارگیری اولیه، مبلغ قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی باقیمانده را افشا کند و درباره زمان مورد انتظار واحد تجاری برای شناسایی آن مبلغ به عنوان درآمد عملیاتی، توضیح دهد (به بند ۱۲۱ مراجعه شود).



پ۵: برای هر اقتضای عملی مندرج در بند پ ۴ که واحد تجاری مورد استفاده قرار میدهد، واحد تجاری باید آن راهکار را بطور یکنوخت برای تمام قراردادهای موجود در تمام دوره های گزارشگری ارائه شده، بکار گیرد. افزون بر این، واحد تجاری باید تمام اطلاعات زیر را افشا کند:

الف: اقتضای عملی که مورد استفاده قرار گرفته است؛ و

ب: ارزیابی کیفی اثر برآوردی بکارگیری هر یک از عملکردها، تا میزانی که بطور معقول امکانپذیر است.

پ۶: اگر واحد تجاری تصمیم بگیرد این استاندارد را با تسری به گذشته طبق بند پ ۲ (ب) بکار گیرد، باید اثر انباشته بکارگیری اولیه این استاندارد را به عنوان تعدیل مانده سود انباشته (یا جزء دیگری از حقوق مالکانه، در صورت اقتضا) در ابتدای دوره گزارشگری سالانه ای که تاریخ بکارگیری اولیه را در بر می گیرد، شناسایی کند. طبق این شیوه گذار، واحد تجاری ممکن است تصمیم بگیرد این استاندارد را تنها برای قراردادهایی با تسری به گذشته بکار گیرد که در تاریخ بکارگیری اولیه، قراردادهای تکمیل شده محسوب نمیشوند (برای مثال، اول فروردین سال ۱۴۰۲ برای یک واحد تجاری که پایان سال مالی آن ۲۹ اسفند است).

پ۷: یک واحد تجاری که این استاندارد را طبق بند پ ۲ (ب) با تسری به گذشته بکار میگیرد، همچنین ممکن است اقتضای عملی توصیف شده در بند پ ۴ را نیز برای موارد زیر بکار گیرد:

الف: برای تمام تعدیلات قرارداد که قبل از شروع نخستین دوره ارائه شده واقع شده اند؛ یا

ب: برای تمام تعدیلات قرارداد که قبل از تاریخ بکارگیری اولیه واقع شده اند.

اگر واحد تجاری از این اقتضای عملی استفاده کند، باید آن را بطور یکنواخت برای تمام قراردادها بکار گیرد و اطلاعات الزامی طبق بند پ ۵ را افشا نماید.

پ۸: برای دوره های گزارشگری که تاریخ بکارگیری اولیه را در بر دارد، واحد تجاری باید در صورتی که این استاندارد با تسری به گذشته طبق بند پ ۲ (ب) بکار گرفته میشود، مبلغی که هر قلم اصلی صورتهای مالی در دوره گزارشگری جاری را به دلیل بکارگیری این استاندارد در مقایسه با استانداردهای حسابداری ۳، ۹ و ۲۹ تحت تأثیر قرار میدهد، افشا کند.